

فصلنامه علمی فرهنگی

انجمن اسلامی دانشجویان

دانشگاه الزهراء (س)

حوا

فصلنامه پاییز ۱۴۰۱
شماره ۱۸، ۶۰ صفحه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حوا اولین فصلنامه علمی- فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)
در حوزه‌ی زنان و خانواده

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)
عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: نرگس عابدینی
سردبیر: نرگس عابدینی

هیئت تحریریه: سمیرا رحمتیان، مرجان فتاحی، مریم امیرخانلو، زهرا پیرزاده، راضیه جلالی، رقیه خادم‌نیا، فاطمه رحیم‌زاده، آیناز عربی، فاطمه اشرفی، زهرا غنی‌آبادی، نرگس عابدینی، ندا دشت بزرگی، فاطمه زمانی، زهرا عظیمی، کوثر پاریزی، زهرا جوکار، الهام آقابابایی، آقای مهدی تکلو و آقای محمدصادق ایزدخواه

ویراستار: فاطمه دادرسی
استاد راهنما: دکتر الهام شریعتی
صفحه آرا: زهرا جعفری

باتشکر از سرکار خانم نعمتی که مارا در انتشار این شماره از نشریه، همراهی کردند.

شماره تماس: ۰۹۱۰۳۷۳۶۴۲۵



@havva_mag
@anjomanalzahra



@havvamag
@anjoman_islami_alzahra

فهرست:

سفن سردبیر ۱۴

سرویس جامعه شناسی

مجاب در جوامع گذشته ۶
همرنگ جماعت شو، تا فاصیت تمایز یابی ۸
روزگار گشت ارشاد ۱۰
تمایزی به نام مجاب ۱۲
پوشش از قاب دانشگاه‌های غربی ۱۶
مجاب، فیلتری در چشم بیگانه ۱۸
مجاب مانع فعالیت زن نیست ۲۰
مجاب و عفاف فارچ از گود جنسیت ۲۲
فهم کمپین «محبه ام و با گشت ارشاد مخالف» از منظر قدرت اجتماعی ۲۴

سرویس روان شناسی

مجاب شفصیت ۲۸
انعکاس پوشش در مغز ۳۰
ستر و ومدت روانی ۳۲

سرویس فرهنگی- هنری

بی‌مجابی ناجی گیشه‌ها ۳۶
زن ارزشمند یا کالای دست یافتنی ۳۸
مجاب استایل‌ها ۴۰
با مجاب‌ها بفوانند ۴۲
آموزش و پرورش برای ترویج مجاب چه کرد و چه باید بکند ۴۴
قانون گذراری فاموش ۴۸

سرویس فقهی- حقوقی

مریم مجاب ۵۲
طبل تو خالی مقوق بشر ۵۴

سرورپس جامعه شناسی

سخن سردبیر مسئله پر مناقشه

نرگس عابدینی
کارشناسی مطالعات خانواده

فرهنگی و دینی به شمار می آیند و فضای آموزش و پرورش این مراکز منطبق با اسلام پویا باشد و تربیت دینی در بطن آموزش نهفته شده و از طریق روش‌هایی جذاب ارائه گردد. در سطح جامعه نیز فضای شهری، وسایل نقلیه و زیباسازی محیط براساس ویژگی‌های دو جنس زن و مرد طراحی شود. نوع پوشاک توزیع شده در مراکز خرید و صنعت مد و لباس کشور باید ارائه کننده سبک پوششی باشد که ریشه در فرهنگ ایرانی- اسلامی دارد و در پی توزیع لباس‌های نامناسب و نمایش تجملات در پوشش نباشد. در ارتباط با وضعیت حجاب و عفاف در جامعه امروزی طریقه برخورد حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند؛ خشونت و اعمال زور و توهین نیست، بلکه باید افراد را نسبت به موضوع حجاب و ضرورت آن در جامعه اقناع کرد. همچنین تأکید بر رعایت پوشش مناسب، تنها برای زنان و دختران نباشد، بلکه مردان نیز باید متناسب با عرف جامعه از پوششی مناسب برخوردار باشند.

همانطور که اشاره شد حجاب یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و دین مبین اسلام است و ظاهر یک جامعه معرفت هويت آن خواهد بود. شهروندان نیز باید تابع قوانین و عرف باشند تا از وقوع آسیب‌های گوناگون جلوگیری شود. تبیین مسئله حجاب و حدود آن برای افکار عمومی و عدم تبعیض و تفکر اشتباه نسبت به زنان و دخترانی که حجاب برتر ندارند، لکن حدود حجاب را رعایت می‌کنند. افراد مسئول در امر تصویب، تعیین و اجرایی کردن مقررات پیرامون حجاب و تبیین این مسئله برای مردم باید اقدامات موثر و لازم را در ابتدایی‌ترین نقطه تا انتها انجام دهند و در پایان هنگامی که تخلفی صورت گرفت برخورد شود و این برخورد باید در شأن و شخصیت انسان باشد و کرامت ایشان حفظ شود.

در دنیای مدرنیته امروزی که سطح حضور و آگاهی افراد اعم از مرد و زن بالا رفته و شاهد سبک‌های مختلف پوشش برای هر دو جنس هستیم، مسئله حجاب و پوشش زنان در جامعه ایران، به یکی از حساس‌ترین و بحث برانگیزترین مباحث در حوزه اجتماعی مبدل شده است. تا حد بسیاری تفاوت نسل جدید و کهن در پایبندی به عرف و آموزه‌های دینی، همچنین خودباختگی فرهنگی جوانان موضوع حجاب و پوشش زنان را بحثی پر مناقشه کرده است و دشمنان در پیشبرد اهداف و ایجاد نزاع مجازی و واقعی بین اقشار جامعه از جنگ نرم علیه ارزش اصلی همچون حجاب بهره می‌برند.

ایران جامعه‌ای اسلامی است و افراد این جامعه شناسنامه و هويت جامعه محسوب می‌شوند. به همین علت مسئله حجاب زنان ارتباط جدی با هويت و فرهنگ یک جامعه دارد. تأثیر رسانه‌های غربی و صنعت مد بر زنان به‌خصوص نسل جوان و نوجوان ایشان را به سمت پوششی خلاف عرف و فرهنگ جامعه سوق داده و هويت اسلامی کشور خدشه‌دار می‌شود. با تمام این اوصاف باید در جهت بهبود وضعیت، برخورد و آگاه‌سازی درست و مناسب در زمینه حجاب برخی اقدامات اشتباه، اصلاح شده و برخی کم‌کاری و بی‌مسئولیت‌ها جبران شود.

اساسی‌ترین و نخستین بستر رشد انسان، خانواده است و باتوجه به سن کودک باید اهتمام ویژه‌ای به مبحث تربیت صحیح دینی وی شود. در مرحله بعد مدارس و دانشگاه‌ها برای نوجوان منبع اصلی برای آگاهی از اصالت و هويت

حجاب در جوامع گذشته

سمیرا رحمتیان
کارشناسی مطالعات خانواده

حجاب، در لغت به معنای مانع و پرده و پوشش آمده است. حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. شهید مطهری به ۴ فلسفه برای حجاب اشاره می کند:

۱. آرامش روانی
۲. حفظ ارزش و بالا بردن احترام زن.
۳. استحکام پیوند خانوادگی
۴. استواری اجتماع

این موارد به عنوان فلسفه حجاب، همه حوزه‌ها را در بر می‌گیرد. دو مورد اول به جنبه فردی مربوط است، مورد سوم به خانواده و مورد چهارم به اجتماع مرتبط است.

از جنبه فردی، یک مسئله مربوط به مردان و یک مسئله مربوط به زنان است. از زاویه تأثیر بر مردان باید گفت: حفظ حجاب به لحاظ فردی موجب ایجاد آرامش روحی و کم شدن هیجانات و التهابات کاذب در مردان می‌شود و از منظر زنان، حجاب موجب بالا رفتن ارزش ذاتی و مقام انسانی زنان می‌گردد.

از جنبه خانوادگی، حجاب موجب استحکام خانواده و پیوند زناشویی می‌شود، چرا که مرد یا زنی که به لحاظ بصری و لمسی از فردی غیر از همسر خود بهره نگرفته است، نسبت به همسر خود علاقه بیشتری احساس می‌کند.

حجاب به لحاظ اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است و موجب تمرکز بیشتر افراد در فعالیت‌های کاری می‌شود. هر بخشی از فعالیت‌های اجتماعی که دارای اهمیت و جدیت است باید از جلوه‌گری‌های جنسی دور باشد؛ آنجا که بحث از تولید و سر و کار داشتن با ماشین آلات صنعتی و امثال آن است، اما جلوه‌گری‌های جنسی هیچ جایگاهی ندارد. اما آنجا که بحث فروشندگی و تبلیغ کالا است این مسئله خودنمایی می‌کند.

حجاب در ایران، قبل از اسلام

حجاب در ایران از دوران باستان میان زنان رایج بوده است. تجلیات حجاب در آثار باستانی ایران تا حدی است که برخی از تاریخ‌نگاران مانند ویل دورانت معتقدند: «حجاب از ایران به کشورهای دیگر راه پیدا کرده است.»



زنان ایرانی پیش از اسلام حجاب داشتند ولی حدود حجاب اسلامی پس از اسلام رایج شد. از دوره‌های پیش از اسلام داشتن پوشش روی سر، به صورت‌های عمامه، دستار، کلاه و تاج در بین مردان و روسری و چارقد، چادر، مقنعه، لچک در بین زنان متداول بود. البته در هر دوره شکل این سرپوش تغییر کرد.

با جستجو در تاریخ ایران باستان و آثار به‌جای مانده از آن دوران که اغلب مردم کیش زرتشت داشتند، چنین به‌دست می‌آید؛ که زنان ایران از دیرباز حجاب و اخلاق نیکو و پاکدامنی ایشان زبان‌زد همه بوده است و این حقیقت نیز روشن می‌شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است، بلکه بانوان ایران از قدیم الایام حجاب داشته‌اند.

پوشش زنان عرب قبل از اسلام

مسئله پوشش و حجاب برای زنان صدر اسلام و قبل از آن مسئله‌ای روشن و قابل قبول بوده است. اگرچه نصوص کتب مقدس نیز گزارشات سایر ملل حاکی از قوانین سخت‌گیرانه‌ای در حوزه پوشش و حجاب زنان بوده است اما زنان آیین جاهلیت عرب به رغم عدم الزام در پوشش، نسبت به حجاب و لباس پوشاننده مقید بوده‌اند. تنوع اسامی البسه پوشش اعم از خمار، جلباب، درع، برقع، و... همگی از رواج اجمالی حجاب در آن دوره بوده است. بعد از ظهور اسلام نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) زنان را تشویق به حجاب کرده و شرایط مربوط به آن را قانون‌گذاری کرده است. به علت فاصله زمانی بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) تا نزول آیات حجاب، مواردی از پوشش نامناسب در تاریخ گزارش شده است اما هرگز حاکی از اذن پیامبر اکرم به بی‌حجابی و یا تسامح و اختیار در پوشش زنان نیست.

به همان اندازه که در دوره جاهلیت بی‌حجابی و برهنگی وجود داشت، به همان اندازه هم حجاب و پوشش وجود داشته است، و این در ادبیات منظوم دوره جاهلی، به وضوح قابل مشاهده و قابل اثبات است.

حجاب در دوره جاهلیت، بیشتر یک امر فطری و یا عرفی بوده و نه اعتقادی، که ریشه در اعتقادات عمیق دینی داشته باشد. به همین علت هم در شرایط خاص بر اساس عرف جامعه، حجاب را کنار می‌گذاشتند و در این راستا هم احساس گناه و عذاب وجدان نمی‌کردند.

عوامل بی‌حجابی زنان در دوره جاهلیت با استنباط از اشعار آن دوران:

۱. عرف قبیله، رایج‌ترین عامل.

گاهی دلیل بی‌حجابی در جاهلیت، خودنمایی زن نبوده؛ بلکه علت اصلی آن عرف قبیله بوده که اعتقادی به لزوم پوشش زن نداشته است، چون

از همسایگان و قبیله، توقعی جز عفاف و پاکدامنی نداشتند.

۲. فقر و گرسنگی

یکی دیگر از عوامل بی‌حجابی و فساد زن در دوره جاهلیت، وضعیت بد اقتصادی و معیشتی بوده که گاهی علی‌رغم غیرت مرد عرب در حفظ حیثیت و آبروی ناموسی، منجر به بی‌حجابی و فساد اخلاقی زن در جهت کسب معاش و لقمه نانی برای سیر کردن خود بوده است. دست‌وپنجه نرم کردن با فقر برای عده‌ای عاملی مفسده‌انگیز بوده و موجب می‌شد که زن حجاب و حیای خود را کنار بگذارد.

۳. ترس از اسارت در زمان جنگ

در زمان جاهلیت به لحاظ تفاوت موقعیت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان برده و آزاده، معمولاً زنان آزاده عرب با توجه به کثرت جنگ‌های قبیله‌ای، ترس از این داشتند که مبادا به اسارت و بردگی در آیند؛ به همین دلیل وقتی جنگ در می‌گرفت و مختوم به شکست می‌شد و احتمال اسارت تقویت پیدا می‌کرد، زنان به خاطر این که خود و قبیله‌شان به خواری و ذلت بیشتری تن ندهند، این مسئله را پذیرفته بودند که حجاب و پوشش خود را مانند کنیزان کنند تا بی‌ارزش شده و دشمن از اسارت آن‌ها صرف نظر کند و بهترین نشانه برای این که کنیز شناخته شوند، بی‌حجابی بود.

در حقیقت زن در دوره جاهلی آزاد بود تا جایی که عرف اجازه بدهد زینت خود را آشکار کند و با هر نوع پوشش و حجابی در بازار مشغول به خرید و فروش شود، به حج برود، آب از چاه بیرون بکشد، چوپانی کند.

در آخر می‌توان اینطور نتیجه‌گیری کرد که پوشش و حجاب، در جوامع قبل از اسلام وجود داشته و این امر مختص به اسلام و دوره بعد از ظهور آن نیست.



هم رنگ جماعت شو، تا خاصیت تمایز یابی

صنعت مد و پوشاک

مرجان فتاحی
کارشناسی مطالعات خانواده

صنعت مد از اواخر قرن نوزدهم و اوج پایکوبی او از شروع قرن بیستم افتتاح شد. و این حرفه چیزی نبود که یک روزه در شهر پاریس طلوع کند، بلکه این دنیای فشن از زمان تحولات مردم در سبک زندگی، مسبب باز شدن پنجره های خوش رنگ لعاب مد در مجله پاریس شد.

واژه «تجوید» یا همان مد با معنای طولانی آن که هیچ لغت نامه‌ای زحمت به دوش کشیدن مراد آن را تحمل نمی‌کند، صرفاً در پوشش نیست و در تمام وضع زندگی رسوخ کرده است؛ از طرز صحبت کردن، آوای موسیقی، گلچین وسایل منزل، انتخاب اتومبیل، برگزاری مراسم‌ها در سوگواری، جشن‌ها و هر چیزی که در دنیا آفریده شده یا اجل آن برسد بدون اینکه مد دستی بر روی آن بکشد از این جهان فارغ نمی‌شود؛ این صنعت پارادوکس عجیبی را در خود گنجانده است. علاوه بر آنکه میل به هم‌رنگی با جمعیت را ارضا می‌کند از سوی دیگر احساس منحصر به فردی و تمایز را ایفا می‌سازد.

صنعت مد پوشاک مثل خورشیدی که پرتو تابش آن بر هر شخصی بتابد، در همه جا رخنه کرده است. مد به رده سنی، شهر یا کشور، تیپ عقیدتی، فرهنگی و..... خاصی تعلق ندارد و همیشه تابلوهایی زیبنده برای هر یک از مشتریان عرضه می‌کند.

بشر خواسته یا نخواست با صنعت مد هم‌سو می‌گردد. تصور اینکه خانمی با مانتو اپل دار دهه شصت و با موی فکل شده، یک روسری نخی با حاشیه قرمز که با فشار بر زیر گلو بسته شده است بیرون بیاید یا حتی آقای که با شلوار خمره‌ای آبی و پیراهن چهارخانه نخی قهوه‌ای که زیر کمر بند بسته شده به همراه یک دسته کلید که بر قلاب کمر بند چفت شده است که تنها ۴ دهه اختلافشان است و یا حتی در پیشنه کشور غربی در دهه شصت که بانوانی با موهای قهوه‌ای عسلی روشن کوتاه که تا گردن آنها هدایت یافته، سارا فون ساده طرحی که تا زانوهای آنها کشیده شده و به واسطه کمر بند سفید نازک لباس را دو

تکه تقسیم کرده، کفش پاشنه هفت سانتی نوک تیز کرم رنگ و لذا مدل شلوغ‌تر آن پیراهنی با طرح گل‌های بهاری با رنگ‌های سرد با دستمال سر قرمز رنگ، عینک دودی با فریم اکلیلی و گوشواره نقره‌ای دایره‌ای که تا عرض شانه آنها می‌رسد؛ تنها یک برگ از مجله مد دهه شصت در کشور مختلف بوده و پندار اینکه شخصی بخواهد با این پوشش قدیمی در میان جمع ظاهر شود از نظر عامه مردم بسیار مضحک و خنده دار به نظر می‌رسد، و به نوعی کژروی فرهنگی را در چشمان بینندگان فریاد می‌سازد؛ اگر به مدل چادر خانم‌ها در این چند دهه اخیر نظاره کنیم، متوجه این مسئله می‌شویم که حتی چادر ساده مشکی، رنگ مد را گرفته و نتوانسته از خلاقیت تصویرگری و طراحان مد پنهان بماند.

مد پله‌ای به عقب ندارد، سراسر رو به جلو است. البته این صنعت همیشه به روشنی آفتاب نیست و گاهی هم سایه سیاهی تقلید آن مردم را در باتلاق ظلمات آن می‌افکند، چیزی که مطرح است اینکه مد با کنترل بر گروه‌های اجتماعی تأثیر هنگفتی در باورها، زیبا بودن، میزان دخل خرج (اینکه مردم سالانه چقدر خرج پوشاک خود می‌کنند تا خود را در چرخه این صنعت قرار دهند) و میزان انرژی که صرف آن می‌شود اثر بخشی دارد.

تکنیک مد طراوتی به انسان می‌دهد که با دیروز خودش فرق کند. اینکه سبک پوشش مردم هر دوره و هر دهه چقدر متباین و چشم نواز است.

اما این صنعت همیشه بوی طراوت نمی‌دهد و گاهی زنان، مردان، دختران و پسران کثیری را در منجلاب چشم و هم چشمی و تقلید فجیعی تجملاتی غرق می‌کند؛ از آنجایی که کنترل اجتماعی به دست این صنعت افتاده است و به حدی قدرت دارد که اگر روزی مد شود مردم روی سرشان گونی‌های پوسیده بگذارند، چه بسا افرادی که به تقلید و ازین صنعت خود را اینطور پوشش دهند.

ایران کشوری اسلامی است و سبک پوشش غربی را برای خود مناسب نمی‌داند. باید فروشندگان، تولید کنندگان و طراحان لباس پوشاکی را خلق کنند که بیگانه با فرهنگ و آیین ما نباشد و ابتدا باید این تفاوت غربی، بومی شود، سپس وارد کشور و رسانه ما انگاشته شود.





روزگار گشت ارشاد

گشت ارشاد از آغاز و اهداف

مریم امیرخانلو

کارشناسی مطالعات خانواده

در تمامی کشورها در رابطه با امنیت جامعه نوعی طرح و الگو یا بهتر بگوییم روش‌هایی برگزیده می‌شوند که با استفاده از آن دولت به نظام جامعه و مردم کمک می‌کند.

در کشور ایران یکی از این طرح‌ها از زمان انقلاب تا به امروز - که در عرصه نوین تکنولوژی هستیم - وجود دارد، طرح ارتقای امنیت یا بهتر بگوییم «گشت ارشاد» است. اما این سؤال در ذهن نقش می‌بندد که این ح با چه موضوعی و در چه زمانی بوجود آمده و آیا مورد قبول افراد جامعه است؟!

بگذارید بگوییم که مسئله پوشش زنان و مقابله با بدحجابی و بی‌حجابی ابتدا از ادارات آغاز شد و در ۱۰ تیر ۱۳۵۹ «حجت الاسلام ری شهری» رئیس دادگاه انقلاب، در بخش نامه‌ای نوشت از ورود آن دسته از پرسنل زن که پوشش اسلامی ندارند در اماکن نظامی و سرویس‌های رفت‌وآمد جلوگیری به عمل آید.

دادستانی کل انقلاب در اطلاعیه‌ای اعلام کرد و سپس به تمامی وزارتخانه‌ها، مؤسسات و ادارات

تابعه انقلاب اسلامی شدیداً اخطار شد.

مطابق با این اطلاعیه چنانچه بانوی کارمندی بدون پوشش اسلامی در محل کار حضور یابد بلا درنگ حقوق و مزایای او قطع خواهد شد.

بعد از این مصوبه، مصوبه‌های جدیدی در پی تکمیل و اصلاح این اطلاعیه آمد و به آن اضافه شد؛ که در سال‌های اخیر، تقریباً اوایل فصل گرما گشت ارشاد به صورت محسوس در خیابان‌ها دیده می‌شوند، آنها با حضور هفتادهزار نیروی انتظامی برای پیشبرد طرح امنیت اخلاقی که وظیفه آن؛ مقابله با مصداق بدپوششی، کشف حجاب در خودرو، مزاحمت برای نوامیس و... است را شامل می‌شود.

همانطور که می‌دانیم تمام فعالیت‌های جامعه بازخوردی در طی گذشت زمان ارائه خواهد کرد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ حال در این بازه دولت از ابتدا با انگیزه اینکه به جامعه کمک کند، ابتدا بر روی پوشش زنان تمرکز کرد و بعد به جمع‌آوری معتادان و نیز جمع‌آوری اراذل و اوباش خیابانی اقدام کرد و در آخر به سرکشی و بازدید از اصناف و کارگاه‌ها پرداخت اما در ادامه باید گفته شود که با مقاومت مردم روبرو شد.

سوال مورد توجه در این بحث این است که چرا

مردم بازخوردی چون مقاومت داشتند که بازخوردی منفی تلقی می‌شود؟

در این زمینه بین مردم نظرات متفاوتی وجود دارد؛ اما بیشترین چیزی که به چشم می‌خورد مخالفت اکثریت مردم با این طرح بود.

رخی از افراد و گروه‌ها با آزادی پوششی که خواسته فردی دیگران است و خواهان آن هستند مخالفند؛ اما برخی دیگر با نوع رفتار مسئولین مخالفند که خارج از احترام است، اما کدام درست است و کدام غلط؟!

با یک نگاه کلی می‌توانیم به این برسیم که در نظر گروه اول طرز فکر افراد کاملاً خودخواهانه است؛ زیرا به شکلی هست که افراد فقط خود را دیده و تنها به خواسته‌های خود اکتفا می‌کند. اما برای نظر افراد گروه دوم جای تأمل، بحث و مطالعه زیادی وجود دارد و اخبار زیادی نیز درباره آن در فضای مجازی موجود است زیرا اگر رفتار از سمت مسئولین به شکل صحیح صورت بگیرد دیگر مشکل به وجود آمده از سمت گروه تشکیل دهنده این طرح برای

مخالفت با گشت ارشاد نخواهد بود.

در مواردی به جای ایجاد گشت ارشاد می‌توان از راه‌های دیگر هم برای آموزش و اصلاح بدحجابی یا بی‌حجابی استفاده کرد برای مثال: آموزش به افراد در ارتباط، برخورد و گفتگوی کلامی درست، اضافه کردن برنامه آموزش درست برخورد کردن و احترام گذاشتن به انواع شخصیت‌ها و افراد و چگونگی یک پوشش مناسب در مدارس بخصوص در سنین نوجوانی، تأسیس تولیدی‌های لباس‌های مناسب و در شأن دولت اسلامی و... البته که موضوعات مهمتری هم هستند که باید درباره آنها به کودکان و نوجوانان برای زندگی بهتر آموزش داد.

اگر که جامعه و کشور بتوانند به صورت ریشه‌ای به این مشکل رسیدگی کنند و آن را به‌طور کامل تحت پوشش قرار دهند و از راه درست با موضوع ارشاد اسلامی برخورد نمایند، می‌توانند جامعه سالم و بازخورد مثبتی داشته باشند زیرا که اگر با این روش پیش برود دیگر اسم اعتراض و اغتشاش نخواهد شنید و زمانی که صحبت از قانون می‌شود دیگر اعتراضی نسبت به آن روی نخواهد داد.

گشت ارشاد

تمایزی به نام حجاب

بررسی حجاب در کشورهای اسلامی

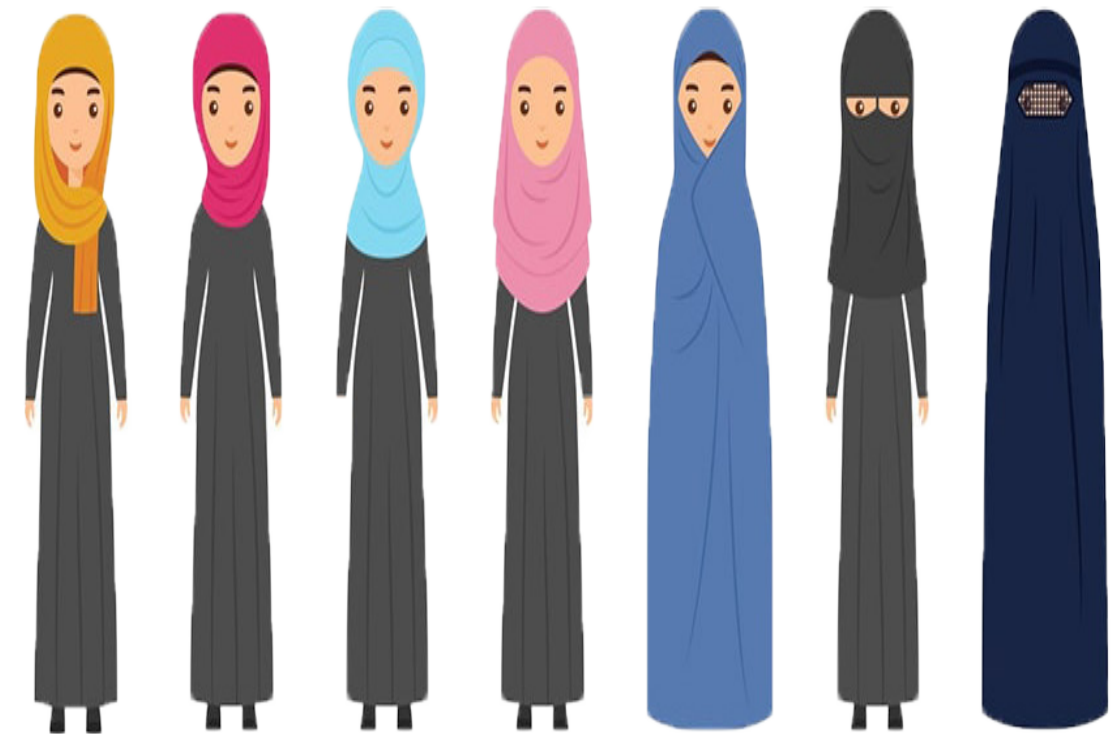
زهرآ پیرزاده

کارشناسی رشته ادیان و عرفان

کشورهای اسلامی در حجاب باهم چه تفاوت‌هایی دارند؟

جالب است بدانید که سبک و مدل حجاب زنان در هر کشور اسلامی با زنان کشورهای دیگر متفاوت است. به عنوان مثال؛ نوع لباس بومی در هر استان ایران با استان دیگر فرق می‌کند. پس در مورد حجاب هم همین نوع رفتار می‌تواند وجود داشته باشد. در اطراف کشور ما، کشورهای عرب زیادی هستند اما هیچ‌کدام از آن‌ها با این که فرهنگ نزدیکی به هم دارند، در مدل پوشش شبیه به هم نیستند. بنابراین قاعدتاً کشورهای غیرعرب هم سبک پوشش متفاوتی نسبت به کشورهای دیگر دارند. ما در این مطلب قصد داریم انواع حجاب و پوشش بومی را که زنان کشورهای مسلمان به آن پایبند هستند به شما معرفی کنیم. لازم به ذکر است که مدل‌های مختلف حجاب که بیان می‌شود، حتماً یک مدل از حجاب کامل زن مسلمان نیست. حجاب کامل همان پوششی است که شکل کل اندام زن در آن نمایان

حجاب در بسیاری از کشورهای اسلامی به عنوان اولین پوشش زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. زنان و دختران زیادی هستند که در این کشورها حجاب را در زندگی روزمره خود انتخاب کرده‌اند. در میان زنان مسلمان، کسانی نیز به دنبال مد روز و لباس‌های تازه و جدید هستند. به همین دلیل برندها در میان محصولات خود آن‌ها را به عنوان یکی از اولویت‌های خود در نظر گرفته‌اند و مدل‌های مختلف آن را عرضه می‌کنند. اگر شما هم جزو کسانی هستید که حجاب را ترجیح می‌دهید، می‌توانید از مدل‌هایی که ما به شما معرفی می‌کنیم استفاده کنید و از آن‌ها الهام بگیرید. در ادامه انواع مدل حجاب که در کشورهای اسلامی در میان زنان رواج دارد را برایتان می‌گوییم. شاید از بین آن‌ها مدلی مورد پسند شما بود و خواستید به عنوان مدل پوشش خود از آن استفاده کنید.



نباشد. در میان این مدل‌ها، اغلب آن‌ها به سبک مادست هستند و تا پوشش کامل فاصله دارند. ابتدا پنج مدل مختلف از سرپوش‌های محبوب در میان زنان را بیان می‌کنیم. این مدل سرپوش‌ها می‌توانند الهام بخش مدل‌های دیگری باشند که از آن‌ها به عنوان پوشش بهره ببرید. مانند عبایی؛ از صحراهای عربستان تا کت واک‌های پاریس

پنج مدل مختلف از سرپوش‌های محبوب در میان زنان

روسی

سنتی‌ترین مدلی که به وسیله آن موهای سر را می‌پوشانند روسی است. با روسری علاوه بر موها، گردن، گوش‌ها و قسمتی از سینه را می‌پوشانند و با آن تنها گردی صورت را نشان می‌دهند. روسری‌ها به شکل مربع هستند و در اشکال و مدل‌ها و جنس‌های مختلف در بازار موجودند و به راحتی می‌توان آن‌ها را با رنگ لباس‌ها ترکیب کرد. در میان روسری‌ها، انواع ارزان و گران قیمت آن وجود دارند. بنابراین هر کس بنا به اقتصاد و سطح مالی خودش می‌تواند مدل‌های مختلف آن را تهیه کند. بعضی از مدل‌های گران‌قیمت آن به صورت برند عرضه می‌شوند. بعضی دیگر از مدل‌های آن در رنگ‌های ساده اما با سنگ‌های تزئینی سفید و رنگی از برند سواروسکی هستند.

شال

به پارچه‌ای مستطیل شکل که به دور سر بسته می‌شود و موها را می‌پوشاند شال می‌گویند. در اغلب کشورهای عربی، شال به عنوان اصلی‌ترین تکه‌ای که برای حجاب کاربرد دارد استفاده می‌شود. شال هم مانند روسری انواع گران و ارزان قیمت دارد. کسانی که به دنبال مدل‌های گران آن هستند در میان برندهای حجاب می‌توانند انواع مختلفی از آن‌ها را پیدا کنند.

عبا

عبا به مانتوهای بلند و گشادی اطلاق می‌شود که اغلب زنان عرب از آن استفاده می‌کنند. البته عبا در میان زنان و مردان عرب جایگاه خاص خودش را دارد و در واقع لباسی یونیسکس به حساب می‌آید. عبا به خاطر نوع دوخت آن در کشورهای گرمسیر به عنوان پوشش اصلی استفاده می‌شود. همچنین به خاطر شکل و طرحی که دارد کل اندام و شکل آن را می‌پوشاند و برای حجاب مناسب است.

نقاب

به نوعی از پوشش که برای صورت استفاده می‌شود نقاب گفته می‌شود. این پوشش سر، صورت به غیر از چشم‌ها و قسمتی از سینه را در برمی‌گیرد و به عنوان حجاب در کشورهای عربی کاربرد زیادی دارد. البته زنان عرب در کشورهای غربی هم اغلب از نقاب به عنوان پوشش خود استفاده می‌کنند. نقاب در میان همه زنان محجبه کاربرد ندارد و به نوعی زیاده‌روی در پوشش به حساب می‌آید.

چادر

چادر پارچه‌ای بلند و نیم دایره است که طول کل بدن را در برمی‌گیرد. مدل دوخت آن با چادرهای مدل عربی تفاوت عمده دارد. رنگ آن اغلب مشکی است و در خیابان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما مدل‌های رنگی آن در مهمانی‌ها برای زنان محجبه کاربرد دارد. شکل امروزی چادر، مختص زنان ایرانی‌ست و از اواخر زمان قاجاریه و اوایل زمان پهلوی در میان زنان ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است. در اصطلاح عامیانه به این نوع چادر، چادر چرخ‌گرفته می‌شود. البته مدل چادر زنان در ایران همین یک نوع نیست و مدل‌های دیگری با نام‌های دیگر هم وجود دارند. از این دسته می‌توان مدل‌های چادر قجری یا کمری، چادر ملی، چادر ایرانی، چادر شالی و مدل‌های دیگر را نام برد. مدل‌های ملی، شالی و ایرانی در چند سال اخیر در میان بانوان چادری مورد استفاده قرار گرفته است. اما مدل قجری آن همانطور که از نامش معلوم است از همان زمان قاجار در میان مردم رواج داشته است.

برقع

گاهی برقع در اصطلاح عامیانه با نقاب اشتباه گرفته می‌شود، اما این دو با هم تفاوت دارند. نقاب تنها برای پوشاندن صورت است اما برقع تمام بدن از سر تا زمین را شامل می‌شود. پوشیده‌ترین مدل حجاب برقع است که پارچه‌ای از بالا تا پایین است و تنها در قسمت چشم‌ها از یک پارچه توری مشبک استفاده می‌شود تا دید دچار مشکل نشود. برقع در میان زنان افغان در حکومت طالبان به عنوان پوشش اصلی مطرح است.

بررسی مدل حجاب زنان در برخی کشورهای اسلامی مدل حجاب به سبک زنان ترکیه این روزها زیاد مورد توجه قرار گرفته است. خانم‌های ترک در انتخاب روسری بیشتر انواع ابریشم طرح‌دار آن‌ها را

طراحی برای زنان ثروتمند عرب زدند، سبک پوشاک آنها کمی تغییر کرده است. آنها از رنگهای شاد هم بهره می‌برند. البته هنوز هم رنگ مشکی در میان آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

انتخاب می‌کنند. البته نه این که از کنار روسری‌های ساده به راحتی بگذرند. آنها اهمیت زیادی به ترکیب رنگهای روسری با لباس خود می‌دهند و سعی می‌کنند رنگها را هماهنگ انتخاب کنند. زنان ترکیه مدل حجاب خود را به گونه‌ای درست می‌کنند که در قسمت جلوی سینه پارچه‌ای اضافه نمی‌آید و اضافه‌های روسری یا در قسمت پشت آنها آویزان می‌شود و یا با گره‌ای کوچک در قسمت جلو می‌ماند. در واقع آنها تمایلی به حجیم کردن روسری یا شال بر روی سرشان ندارند. خانمهای ترک علاقه زیادی به رنگهای نود دارند. زیرا این رنگها به راحتی با هر لباسی هماهنگ می‌شود و زیبایی خلق می‌کنند. زنان مراکشی در مدل حجاب خود به رنگها اهمیت زیادی می‌دهند.

مدل حجاب زنان مراکشی به گونه‌ای است که در میان زنان مسلمان طرفدار زیادی دارد. علت آن هم این است که زنان مراکشی علاوه بر اینکه سر خود را با روسری می‌پوشانند، روسری یا شال را به گونه‌ای دور سر خود می‌پیچند که گردن را هم پوشش می‌دهد. حجاب مراکشی علاوه بر این که مدل روسری یا شال آن جذاب است، مدلی از «کفتان» هم آن را دل‌انگیزتر می‌کند. نام این کفتان که مختص زنان مراکشی است تاکیتا است. تکیتا از رنگها و ترکیبات خاصی درست می‌شود که لطافت زنانه را به خوبی نمایش می‌دهد.

مدل حجاب زنان عراقی تنوع زیادی دارد. در میان زنان عراقی که در شهرهای مذهبی مانند کربلا، نجف، کاظمین و سامرا زندگی می‌کنند، حجاب غالب چادر عربی است. چادر عربی برش و دوخت متفاوتی با مدل‌های ایرانی دارد. بعضی از آنها پارچه‌های کرپ و سنگین دارند و بعضی دیگر پارچه‌های سبک به نام حریر است. رنگ مشکی در میان زنان عراقی که سن بیشتری دارند موردپسندتر است و رنگهای روشن در میان جوانان طرفدار دارد.

مدل حجاب زنان اماراتی یکی از مدل‌هایی است که زنان زیادی از آن الگوبرداری می‌کنند. مدل‌های مختلف عبا در میان زنان اماراتی کاربرد دارد. برندهای معروف دنیا هم به دنبال بازار پرفروشی که در امارات وجود دارد مدل‌های جدید و به روز را برای آنها طراحی می‌کنند. تا چند سال پیش مدل‌های عبا بیشتر حول و حوش پارچه‌های مشکی با گلدوزی مشکی و یا سنگ‌دوزی بود. گاهی هم رنگهای شاد آنها برای مکان‌های خاص استفاده می‌شد. اما از زمانی که بعضی از برندها دست به



پوشش از قاب دانشگاه‌های غربی

راضیه جلالی
ارشد روانشناسی تربیتی

ریش‌ها نیز باید کوتاه و مرتب باشند. از مدل‌های افراطی پرهیز شود.

هرگونه خالکوبی ممنوع است و با خاطیان برخورد می‌شود.

اعضای دانشگاه باید پوشش رسمی دانشگاه - که معاون دانشگاه بعد از مشاوره با دیگر مسئولین و اعمال صلاح‌دیدها مصوب می‌کند - را رعایت نمایند.

لباس زنان در دانشگاه نباید پشت باز و یا آستین کوتاه باشد. دامن و شلوارک نباید بالاتر از زانو باشد. هرگونه آرایش نامتعارف ممنوع است. زنان نیز باید دامن تیره یا شلوار و بلوز سفید بپوشند.

دانشجویانی که خواستار شرکت در مراسم فارغ‌التحصیلی خود هستند بایستی صرفاً لباس و پوشش مصوب دانشگاه را داشته باشند. لباس بلند، گشاد و روپوش‌های رنگی مصوب دانشگاه استفاده

تحولاتی که در مد و لباس رخ داده، موجب ناهنجاری‌های زیادی شده است. سبک پوشش، آرایش غلیظ و موهای فشن نامناسب دانشجویان در دانشگاه‌ها باعث تخطی از قانون شده که همواره موجب اعتراض دانشجویان هم بوده است.

اکثر دانشگاه‌های دنیا، قوانین پوششی خاصی را برای دانشجویان اجرا می‌کنند، هرچند این نوع قوانین منتقدانی دارند اما دانشگاه‌ها تأکید می‌کنند که نوع پوشش با اعتبار دانشگاه در ارتباط باشد. قوانین پوشش در دانشگاه‌های جهان برای دانشجویان دختر و پسر به صورت یکسان اجرا می‌شود و تمام دانشجویان ملزم به رعایت آنها هستند. صرف نظر از دین و شریعت، در تمام دانشگاه‌های دنیا قوانین ویژه انضباطی در زمینه پوشش جهت حفظ و حراست از کیان اشخاص و محیط علمی تعیین شده است. با نگاهی به مقررات برخی از معروف‌ترین دانشگاه‌های دنیا نکات جالبی به چشم می‌خورد که قابل تأمل است. مطالعه مروری کدهای پوششی بسیاری از دانشگاه‌های جهان نشان می‌دهد که در این کدها حتی در خصوص استفاده از جواهرآلات، لباس‌های خاص؛ مثل شلوار جین و تاپ، نوع پارچه و بافت و رنگ لباس و میزان گشادی آن، نوع کفش، آرایش موها و میزان بلندی آنها، آرایش و بلندی ناخن‌ها و استعمال عطر ضوابط خاصی تدوین شده است. ضوابط پوشش در این دانشگاه‌ها که اکثر آنها جزو دانشگاه‌های کشورهای سکولار هستند، بعضاً سخت‌گیرانه‌تر از ضوابط دانشگاه‌های اسلامی است. ضوابط پوشش در وب سایت این دانشگاه‌ها جهت اطلاع دانشجویان گذارده شده تا از این کدها و مقررات پوششی مطلع و آگاه شوند.

در اینجا به شرح برخی از مقررات در مورد پوشش دانشجویان در محیط‌های دانشگاه‌های مطرح دنیا می‌پردازیم:

در محیط‌های دانشگاهی استفاده از لباس باز، بدن‌نما و مدل‌های افراطی ممنوع است. مو باید رنگ طبیعی داشته باشد و بلند گذاشتن و مدل‌های غیرمتعارف موها مجاز نیست.

شود و از فارغ‌التحصیلی دانشجویانی که بدین موضوع توجه نداشته باشند جلوگیری می‌شود.

مردان باید ظاهر مناسب و تمیز داشته باشند. از کت و شلوار تیره، پیراهن سفید ساده، کراوات و جوراب استفاده نمایند. ریش بزی، گوشواره و دیگر موارد مشابه غیر قابل پذیرش است و همچنین خالکوبی مجاز نیست و در صورت وجود، باید پوشیده باشد.

لباس خانم‌ها باید حداقل بدن را از شانه تا زانو بپوشاند. عریان نمودن بخش بالای سینه ممنوع است.

دامن‌های چاک‌دار، پیراهن و شلوارک قابل قبول هستند، به شرط آنکه خیلی تنگ و چسبان نبوده و در حیطه مقررات پوشش باشند.

شلوار نباید تنگ و چسبان باشند.

حال اگر دانشجویی این قوانین را در این دانشگاه رعایت نکند، در مرحله اول به وی تذکر شفاهی داده می‌شود. در مرحله دوم به دانشجوی به صورت تلفنی مشاوره داده می‌شود. و در مرحله سوم هم جلسه‌ای با حضور مدیر و ولی یا پشتیبان دانشجوی برگزار می‌شود که به یک تعهد کتبی و امضاء ولی یا

پشتیبان منجر می‌شود. دانشجو نزول درجه خواهد شد و یا روش تأدیب دیگری از سوی دانشگاه تعیین می‌گردد.

هدف دانشگاه، اجرای برنامه‌های آموزشی است. دانشگاه بر این باور است که این هدف چنان باید از سوی دانشجویان مورد احترام باشد که در لباس و وضع ظاهری آنان تجلی پیدا کند. به ویژه در زمانی که دانشجو در کلاس حضور می‌یابد یا در فعالیت‌های دیگر در محوطه دانشگاه مشغول به کار می‌شود. تخطی از قوانین، نظیر پوشیدن کفش‌های نامناسب برای حضور در کلاس، کافه و دفاتر اداری دانشگاه و عدم رعایت تناسب لباس با زمان و مکان، ممکن است دانشجوی را در معرض اخراج یا سایر اقدامات تنبیهی قرار دهد.

حال که به لزوم رعایت پوشش در دانشگاه‌های کشورهای غربی پرداختیم، توجه به این نکته خالی از لطف نیست؛ دین اسلام که در میان ادیان الهی بر قله‌های کمال و جامعیت جا گرفته است با دقت و ظرافت خاصی به این مسأله مهم فرهنگی توجه کرده و پیشرفته‌ترین احکام را برای مسأله حجاب و پوشش وضع کرده است، به گونه‌ای که همه مصالح اخلاقی، اجتماعی، روانی، خانوادگی و اخروی زنان و مردان جامعه را بر آورده سازد.

مقام معظم رهبری در تعریف خود از «دانشگاه اسلامی» طی یکی از دیدارهای خود تأکید داشته‌اند: «من به طور خلاصه دانشگاه اسلامی را دانشگاهی می‌دانم که در آن علم یک ارزش حقیقی است... شما باید علم را دوست بدارید، ارزش بدانید، آن را برای خدا و با نیت خالص دنبال کنید.»



حجاب، فیلتری در چشم بیگانه

آیا حجاب و ورزش با یکدیگر منافات دارند؟

رقیه خادم‌نیا
کارشناسی علوم تربیتی

اسلام در زمینه‌های مختلف دستورات و اصولی دارد. در زمینه حضور زن در اجتماع نیز قانونی به اسم «حجاب» وجود دارد. از آنجا که در آیین اسلام، بیشترین احترام و اهمیت به زن داده شده تا کمترین سختی به او وارد شود، حجاب نیز سبب حفظ حریم زن و شخصیت او در اجتماع می‌شود. همچنین آیین مبارک اهمیت ویژه‌ای برای ورزش قائل است و ورزش را برای سلامت انسان و پرورش برخی از خصوصیت‌های انسانی ضروری می‌داند.

واژه حجاب در لغت به معنای حایل و پوشش است. پوششی که زن را در برابر نگاه نامحرم حفظ کند و به او آرامش خاطر دهد. با توجه به پیشرفت و توسعه جامعه، برخی حجاب را نشان از عقب ماندگی و مانع رشد می‌دانند. در مقابل برخی نیز حفظ پوشش را به عنوان یکی از ارزش‌های اسلامی - ایرانی می‌دانند و رعایت آن را یکی از پله‌های ترقی زن مسلمان می‌دانند. نگرش‌های مختلفی نسبت به حجاب و عفاف در جامعه وجود دارد. نوع نگرش هر شخص به حجاب به عوامل مختلفی همچون؛ محل زندگی و آداب و رسوم هر منطقه، سن، میزان تحصیلات و ... بستگی دارد. رسانه‌ها نیز در نوع نگرش‌ها به حجاب مؤثر هستند. تبلیغات مختلف علیه حجاب، فضای مجازی، فیلم و سریال در نوع نگاه انسان به حجاب بی‌تأثیر نیست. رسانه‌های بیگانه با تمسخر حجاب زنان در ورزش سعی در حقارت حجاب و تغییر باور مردم نسبت به آن دارند. حضور یک زن مسلمان در مسابقات ورزشی، سبب احیای ارزش‌های اصیل ایرانی - اسلامی می‌شود. او با حجاب خود به جهان یک پیام دارد؛ او می‌گوید با حجاب نیز می‌توان در سکوی قهرمانی ایستاد و مدال طلا بر گردن انداخت. نمونه چنین زنان با صلابتی «ساره جوانمردی»، دارنده مدال طلای قهرمان پارالمپیک ۲۰۲۰ است که تحسین همگان، به ویژه رهبر ایران را برانگیخت. ایشان به پرچمدار کاروان ایران فرمود: «شما یک تنه در برابر تهاجم فرهنگی دشمن ایستادید و از ارزش‌های ملی و لباس ملی یعنی چادر و حجاب

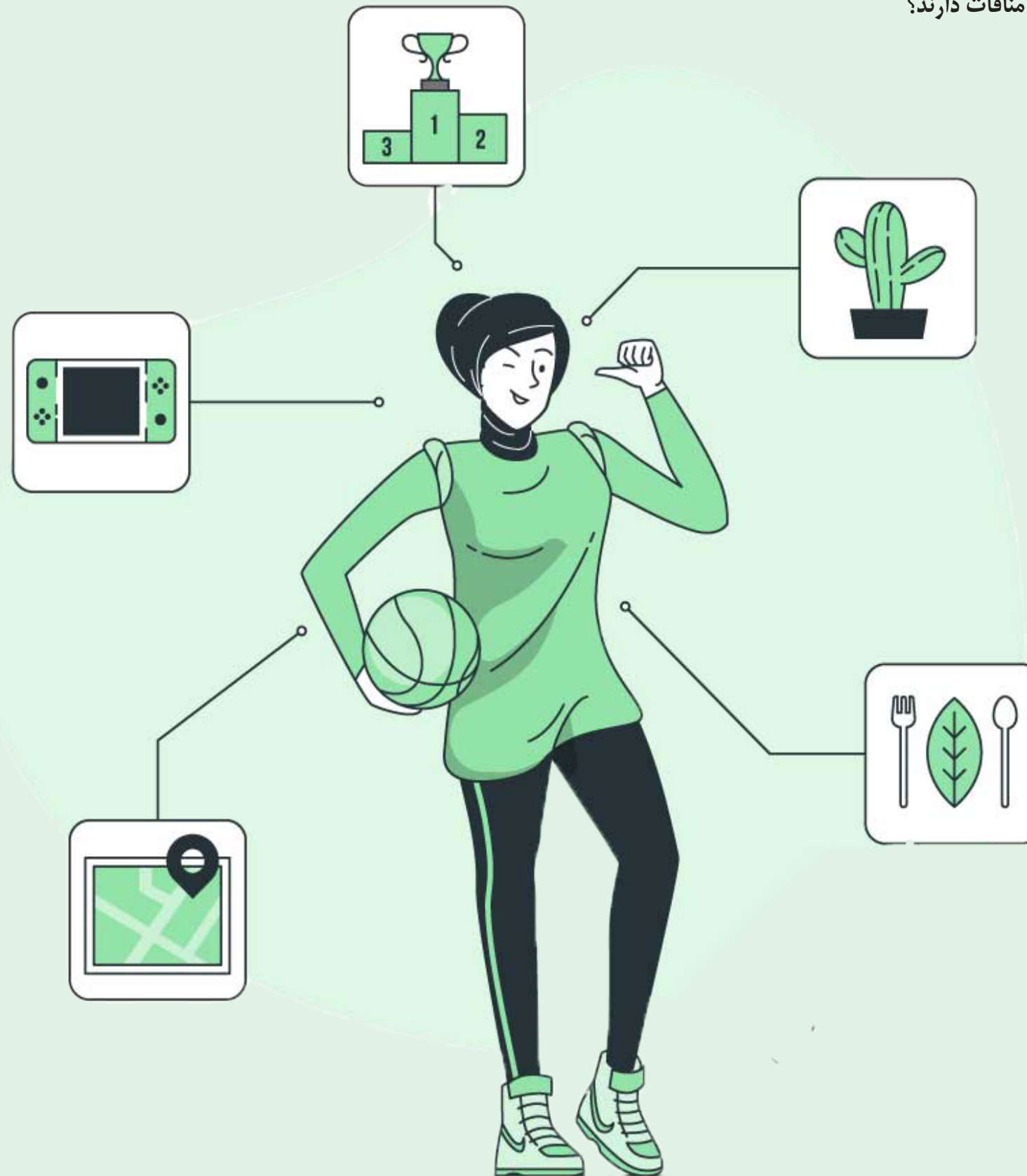
خود در میدان جهانی دفاع کردید.»

بانوان ورزشکار نسبت به حجاب در ورزش، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی حجاب را فرصتی برای شکوفایی، افزایش ارزش اجتماعی بانوان در ورزش، محبوبیت اجتماعی آنها و احیای فرهنگ اسلامی می‌دانند. در مقابل عده‌ای از ورزشکاران حجاب را مانعی برای پیشرفت در ورزش، افزایش ناامنی در جامعه ورزشی، عدم پوشش رسانه‌ها و عدم فعالیت در عرصه‌های بین‌المللی می‌دانند. با این حال در نظر اکثر بانوان ورزشکار حجاب مصونیت است نه محدودیت.

حیا و عفت زن، سرمایه او است و برای حفظ این سرمایه باید برنامه‌ریزی‌هایی در سه مرحله نهادیه کردن حجاب به طور عمیق، گسترش آن در جامعه و حفظ آن صورت گیرد. یک زن با پوشش خود حیا و عزت نفس خود را به نمایش می‌گذارد و صرفاً با مهارت و شخصیت خود وارد میادین ورزشی می‌شود.

از جمله اقداماتی که مسئولین برای حمایت از این قشر محجوب و قهرمان جامعه می‌توانند انجام دهند؛ ایجاد سالن‌های سرپوشیده، وجود محیط‌های مخصوص بانوان و چاره‌اندیشی برای کمبود امکانات در برخی از استان‌ها می‌باشد.

بانوی ورزشکار قبل از اینکه روی سکو برود و مدال خود را بر گردن بیاویزد، مدال قهرمانی خویش را در مقابله با دشمن پلید دریافت کرده است؛ فقط با یک فن و آن حجاب اوست.



حجاب مانع فعالیت زن نیست

فاطمه رحیم زاده
کارشناسی جامعه شناسی

اساساً چه رابطه‌ای میان حجاب و آزادی وجود دارد؟ آیا حجاب مانع آزادی زنان مسلمان (به عنوان اصلی‌ترین حق انسان‌ها در حیات دنیوی) است؟

اسلام با طرح پوشش زن، در حقیقت اجازه حضور در اجتماع را صادر کرده و با دستورات حکیمانه‌ای که در چگونگی منش و روش او ارائه داده است، از یک سو به ارزش و حرمت زن توجه کرده و او را از تباه شدن و در گوشه‌ای بی‌هدف ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فسادانگیزی ناشی از اختلالات نامطلوب مرد و زن را گرفته است.

حجاب مانند دژی محکم از لطافت‌ها و جذابیت‌های زنان محافظت می‌کند و از چشم‌چرانی و شهوت‌رانی مردان هوس‌باز جلوگیری می‌کند. در عوض از زن می‌خواهد که در کانون خانواده و حریم مقدس زناشویی برای شوهرش سنگ تمام بگذارد.

در نتیجه اسلام از دختران و زنان جامعه‌ی دینی می‌خواهد خود را با استانداردهای دینی و شرعی منطبق و همراه کنند. در غیر این صورت با گرایش به الگوهای غربی و آموزه‌های فمینیستی، سرمایه‌های وجودی آن‌ها در مسیرهای نادرست هزینه می‌شود و اجتماع را که میدان کار و تلاش است، به شهوت‌رانی و هوس‌بازی آلود می‌کند.

بهترین جواب به آن‌هایی که می‌گویند حجاب مانع فعالیت و حضور زنان در جامعه است، باید این سؤال را بپرسیم: فعالیت یعنی چه؟ اگر معنای فعالیت این است که بنده به عنوان کارفرما حداکثر استفاده را از جذابیت‌های زنانه یک خانم ببرم و آن را به عنوان زن استخدام کنم تا بهره‌وری اقتصادی ببرم و حجاب مانع است؛ بله، قطعاً اینجا حجاب مانع است. اما معنای فعالیت در دین ما این چنین نیست، معنای فعالیت نقش‌آفرینی انسانی است نه جنسیتی، و زن و مرد هم ندارد، فعالیتی که در آن جذابیت زن را گرو بگیریم فعالیت نمی‌دانیم. حجاب برای این است که زن در جامعه حاضر شود و به او به عنوان یک انسان سالم نگاه شود، نه یک تابلوی همگانی و ابزاری برای

هرزگی. به عبارتی، دین چون می‌خواهد زن وارد اجتماع شود و در سطح جامعه نقش‌آفرینی کند توصیه به حجاب کرده و گرنه در حریم خصوصی و در مقابل شوهر، آنها آزادند.

در محیطی که پوشش دینی رعایت می‌شود زن و مرد در انجام فعالیت‌های خود آرامش و تمرکز بیشتری دارند، اما در محیطی که حجاب رعایت نمی‌شود، سطح کاری پایین است و مشکلات زیادتری پدیدار می‌شود اگر محدودیت نباشد، فضای کار، تولید و آموزش آسیب می‌بیند چون در فضاهایی که باید انسانی باشند و توجه انسان به یک موضوع خاص باشد، توجه می‌رود به سمت موضوعات دیگر، حتی در دانشگاه‌های معتبر جهان هم قواعد پوشش وجود داشته و حتی لباس فرم دارند، چون می‌خواهند دانشگاه، محل کسب دانش باقی بماند.

حجاب همواره به مخاطبین این اطمینان را می‌دهد که حضور زن به ساده‌ترین وجه ممکن در جامعه، نشانه‌ی صداقت و علاقه به خدمت‌گذاری است و این که در فکر آراستن و مطرح کردن خود نیست.

اگر لذت‌های جنسی و هوس‌های نفسانی در کار نیست چه اصراری است که بیرون رفتن زن همراه با بدحجابی باشد. چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم که حجاب مانع است؟ حجاب مانع فعالیت نیست، اما اینکه ما می‌خواهیم همان قدر آزاد باشیم که وقتی در بیان زندگی می‌کردیم، این نه تنها از نگاه دینی بلکه از نگاه لیبرالیسم هم رد شده است.

با توجه به مطالب گفته شده، اسلام اگر در مورد حجاب زن در اجتماع صحبت می‌کند؛ یعنی اصل فعالیت زن را پذیرفته و در مورد چگونگی آن بحث می‌کند، اگر قرار بود زن در خانه محبوس باشد چرا از حجاب صحبت کردیم، اصل حجاب یعنی پذیرفتن فعالیت و حضور زن در جامعه و بحث از چگونگی آن، زنان با رعایت پوشش الهی در بخش‌های متعددی از نظام اسلامی حاضر می‌شوند و با انجام فعالیت‌های مناسب با شأن و جایگاه با ارزش‌شان، نقش‌آفرینی می‌کنند.



عفاف و حجاب خارج از گوه جنسیت

بررسی وضعیت پوشش مردان در جامعه

آیناز عربی
کارشناسی مطالعات زنان و خانواده

حجاب، واژه‌ای آشنا و قابل درک برای همه ما است که به مفهوم پوشش مناسب اشاره دارد. اما آیا تا به حال به معنای عمیق و وسیع این واژه فکر کرده‌اید؟ تعاریف متفاوتی برای این واژه وجود دارد اما به طور کلی حجاب در معنای لغوی آن یعنی: آنچه حائل و مانع میان طالب و مطلوب باشد. در این بین سوالی مطرح می‌شود که نیازمند صداقت دو طرفه بین ما است، به راستی کلمه حجاب در عمق افکار شما جنسیتی زنانه دارد یا صرفاً یک واژه‌ای است که مفهوم آن برای شما فراجنسیتی است؟ فارغ از تمام تصورات ذهنی، برای اینکه به پاسخ درست این سوال نزدیک شویم لازم است مفهوم واژه «عفاف» را با یکدیگر مرور و بررسی کنیم. شاید آنطور که باید به گستره معنایی واژه عفاف توجه نداریم؛ چراکه

اصولاً کلمات عفاف و حجاب را در کنار یکدیگر و معادل هم به کار می‌بریم! به طور کلی عفاف یعنی: خودداری و امتناع از آنچه جایز و نیکو نباشد، خواه در گفتار باشد، خواه در کردار. به نظر شما چرا این دو واژه را اغلب در کنار یکدیگر به کار می‌بریم؟ عفاف و حجاب هر دو نوعی منع و بازدارندگی دارند اما نکته قابل توجه این است که عفاف بازدارنده‌ای در امور باطنی می‌باشد اما حجاب بازدارنده‌ای در امور ظاهری و پوشش است.

با توجه به معنای عمیق این دو کلمه می‌توانیم نتیجه بگیریم که حجاب و عفاف طبق روایات دینی و قرآنی چه برای مردان و چه برای زنان واجب است، اما نکته قابل توجه این است که حدود حجاب و عفاف زنان و مردان متفاوت است و علت این تفاوت به ماهیت وجودی این دو جنس برمی‌گردد. اما این صرفاً یک تفاوت است و به این معنی نیست که حجاب و عفاف مختص به زنان است و مردان نیازی به حفظ و کنترل

نفس و پوشش خود ندارند.

بر اساس دین اسلام یکی از مهم‌ترین دلایل وجود و اهمیت حجاب و عفاف در مردان و زنان حفظ آرامش و امنیت در مقابل آسیب‌ها در نهاد خانواده است، رعایت این دو واجب دینی موجب استحکام خانواده‌ها می‌شود و از فروپاشی آنها جلوگیری می‌کند.

پدر یک خانواده در مقابل تربیت فرزندانش مسئول است و غیر قابل انکار است که فرزندان آیین رفتار پدر و مادر هستند! بنابراین پدرانی که با حفظ عفاف و پوشش مناسب، شخصیت و هویت مناسبی را دنبال می‌کنند، الگوهای ارزشمندی برای فرزندانشان محسوب می‌شوند و در واقع نسل صالح و آگاهی را می‌توانند تربیت کنند، همچنین حفظ عفاف و حجاب همانطور که اشاره شد، پیوند میان زن و شوهر را استحکام می‌بخشد. چراکه وقتی مرد در مقابل زنانی به غیر از همسرش به واسطه حجاب ظاهری و عفاف درونی توانایی تسلط بر هواهای نفسانی خویش را به دست می‌آورد دیگر هیچ آفتی از جنس فساد نمی‌تواند به استحکام خانواده‌اش آسیب بزند.

زنان و مردان عضوهایی در یک جامعه هستند که کنش هر یک از این دو جنس به شکل قابل توجهی بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد و نتایج مثبت یا منفی به بار می‌آورد، همانطور که زنان یک جامعه مسلمان وظایف شرعی و اخلاقی مهمی را بر دوش دارند، مردان هم به همان اندازه در به وجود آمدن جامعه سالم یا ناسالم نقش انکارناپذیری دارند. جامعه‌ای که در آن مردان به پوشش مناسب خود توجهی نداشته باشند و عفاف در کردار و رفتار را به فراموشی بسپارند، سرانجام شاهد سقوط و انحطاط اخلاق خواهد بود.

در جامعه کنونی ما نوع پوشش عده‌ای از مردان خصوصاً نسل جدید و نوجوانان، به سمت و سویی مایل است که قابل نقد می‌باشد، چرا که ردپای تقلید از نوع پوشش بی‌پایه و اساس کشورهای دیگر به وضوح قابل مشاهده است و این معضلی اجتماعی است که لازم به بررسی‌های تخصصی می‌باشد. اعتقادات، ارزش‌ها و تفکرات هر فرد در سبک پوشش او تأثیرگذار است، در ابعاد گسترده‌تر فرهنگ یک کشور که شامل ارزش‌های جمعی و جهان بینی کلی افراد یک جامعه می‌باشد نیز در نوع پوشش افراد آن جامعه قابل مشاهده است بنابراین تقلیدهای کورکورانه پسران نوجوان و مردان جوان از مدهای رایج و گذرا در کشورهای دیگر انتخاب نامناسب و ناشایستی است.

چه باید کرد تا از این قبیل انتخاب‌های ناشایست در نوع پوشش جلوگیری شود؟ ما مؤلف هستیم بار دیگر به اهمیت حفظ عفاف و حجاب در پوشش آقایان بپردازیم و از تأثیرات این وظیفه اخلاقی بر سطح اجتماع و خانواده سخن بگوییم، مؤلف هستیم به فرهنگ غنی خود رجوع کنیم تا نوجوانان ما بدانند که حافظ چه سرمایه بزرگی هستند و آن هنگام است که با تصمیم خود به تغییر در نوع پوشش خود رجوع می‌کنند، آموزش و آگاهی در سطح مدارس، مساجد و کانون‌های فرهنگی اجتماعی می‌تواند مؤثرترین راه در این مسیر باشد و لازم است از الگوهای قدیمی و منسوخ از جمله تهدید، تنبیه، اجبار، تمسخر و خشونت خصوصاً درباره نوجوانان دست برداریم و به گفت‌وگوهای اصولی، محبت و آگاهی سازی روی بیاوریم.

حجاب و عفاف برای هر انسانی فارغ از جنسیت، واجب می‌باشد و با رعایت و انجام وظیفه نسبت به واجبات دینی و اخلاقی قطعاً شاهد تأثیرات مثبت و ارزشمند در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهیم بود.



فهم کمپین «محببهام و با گشت ارشاد مخالفم» از منظر قدرت اجتماعی

مهدی تکلو
پژوهشگر جامعه‌شناسی جنسیت

بیرون از مرزها نیز به میدان باز شد.

در این هنگامه پای جریانات سیاسی - امنیتی نیز به میدان باز شد. تحلیل‌های پشت‌پرده‌ای با رویکرد سرزنش و تأدیبه‌های خانم‌های محببه‌ موافق کمپین بالا گرفت و حکم تکفیر آنها به بیان‌های مختلف صادر شد. گفتگوی اجتماعی دیگر رنگ و بوی سیاسی می‌گرفت و باز مسئله حجاب و جوانبش - که باید به نحو اجتماعی حل می‌شد - به ساحت امنیت اجتماعی منتقل گردید. برخی از کمپین انصراف دادند و اعلام برائت کردند و برخی فرصت اعتراضی پیش‌آمده را به نسیه فردا از دست ندادند و علی‌رغم فشارهای شخصی بر همان موضع پافشاری کردند.

در هفته حجاب در فضای مجازی پویایی به نام «من محببهام و با گشت ارشاد مخالفم» به راه افتاد. این پویش مورد استقبال زنانی بود که غالباً محببه بودند و به سیاست‌های اجرایی در حوزه عفاف و حجاب به‌ویژه گشت ارشاد اعتراض داشتند. پویش در ابتدا مورد استقبال خانم‌ها بود و جمعیت فراگیری به این حرکت پیوستند و سروصدای این کمپین مجازی توجهات گسترده‌ای را جلب کرد. جمعیت اعضای کمپین در نهایت به حدود ۵۰۰ هزار نفر رسید.

این کمپین از جهاتی دارای ابهاماتی از حیث محتوا بود. محتوای جمله «من محببهام و با گشت ارشاد مخالفم» توضیح دقیقی از این به‌دست نمی‌داد که اعضای این کمپین چه موضعی در مورد قانون حجاب یا آنچه عرفاً «حجاب اجباری» خوانده می‌شود دارد. از سوی دیگر شفاف نمی‌نمود که این محببه‌ها با ایده گشت ارشاد فی‌نفسه مخالفت دارند یا تنها رفتارها و شیوه اجرای فعلی آن مورد اعتراض آنهاست. این ابهامات و به تعبیری این سیاست و تفسیرپذیری کنش جمعی در این کمپین موجب تردید در بسیاری از خانم‌های محببه دیگر شد. در مقابل گروهی که به کمپین پیوستند، برخی به دلیل همین ابهامات از کمپین فاصله گرفتند و علی‌رغم اینکه با قسمی از سیاست‌های حوزه حجاب مخالفت داشتند به کمپین نپیوسته و به نقد آن پرداختند.

شکاف و دودستگی، در بین خانم‌های محببه آنجایی به اوج رسید که مسئله گردانندگان و مؤسسان کمپین به میان آمد. کمپین توسط یک جامعه‌شناس اصلاح‌طلب و فعال در رسانه با سوابق سیاسی و امنیتی خاص به راه افتاد. همین موضوع تردیدها را در مورد این پویش افزود و به محور گفتگوی جمعی محببه‌های مخالف و موافق کمپین تبدیل شد. مخالفین این کمپین نگران مصادره نیروی محببه‌ها و سوءاستفاده از اعلام اعتراض آنها بودند؛ نگران آنکه مخالفت این‌چنینی با گشت ارشاد به مخالفت با اصل قانون حجاب یا قدم‌های دیگر بیانجامد. شکاف‌ها زمانی بیشتر شد که پای روایتگری رسانه‌های خبری

پس از روایت واقعه به تحلیل آن بپردازیم. پر واضح است که این کمپین نمایانگر موضعی در بدنه خانم‌های محببه است. البته مسلم است که محببه بودن برای تنظیم قشربندی اجتماعی شاخص دقیقی نیست، اما به‌رحال باوجود تکثرات در میان این قشر، باید تلاش کرد به‌نوعی تحلیل اجتماعی درباره این کمپین پرداخت. آنچه رقم خورد یک پدیده و رخداد اجتماعی بود و لذا باید امر اجتماعی را قطع نظر از خوانش‌ها و تحلیل‌های سیاسی و امنیتی به تحلیل گذاشت. یک ساحت بحث، تحلیل در ساحت تفسیری و روانکاوی اجتماعی است. یک ساحت هم تحلیل از منظر قدرت است، چرا که کمپین خود قالبی برای عرض‌اندام اجتماعی است.

از منظر تفسیری، فارغ از دقت و صحت کمپین و به دوراز ملاحظات سیاسی و امنیتی باید به این مهم توجه داشت که همراهی محببه‌ها - که غالباً حامی نظام هستند - با این پویش اعتراضی دارای معانی و پیام‌هایی است. در وهله اول این کنش اعتراضی نشان می‌دهد سیاست‌های فرهنگی و حاکمیتی حجاب و عفاف حتی برای معتقدان به حجاب، فاقد ظرفیت اقتناعی و همراه‌سازی است. این موضوع پیش از هر

امری نمایانگر این است که می‌توان عدم همراهی زنان غیرمحببه را در دهه‌های گذشته طبیعی فرض دانست؛ چرا که ناکارآمدی این رویکردها توان جذب محببه‌ها را نداشته چه رسد به محببه‌سازی. از نگاه محببه‌ها سیاست‌گذاری‌های ترویجی و تنبیهی در این حوزه مشتمل بر نوعی کج‌کارکرد است و نیاز است در آن تجدیدنظر شود. این کمترین دستاورد تحلیل اجتماعی این پویش است که لازم است حتماً مورد توجه قرار بگیرد.

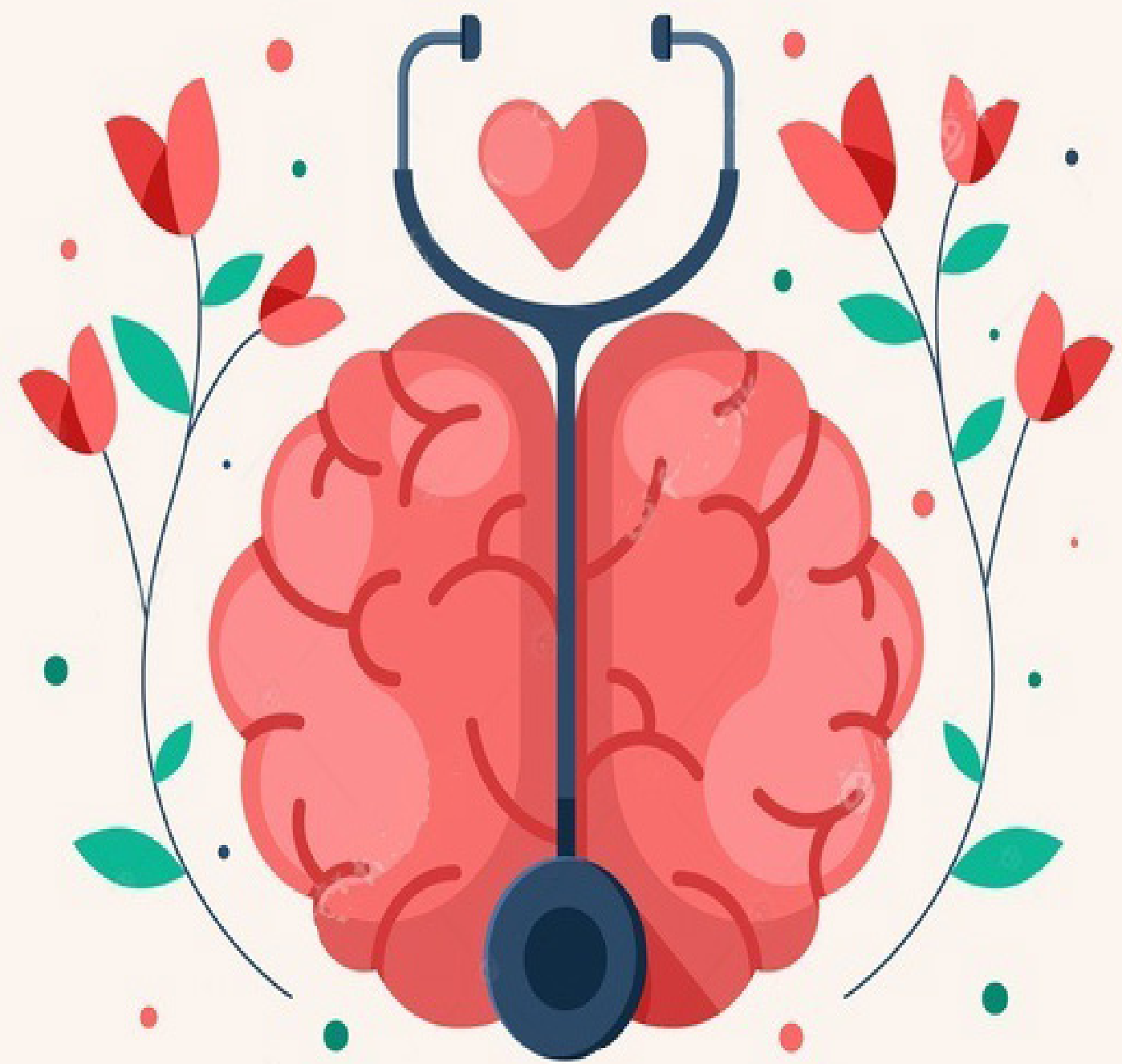
از سوی دیگر و در یک لایه عمیق‌تر باید به ساحت روانکاوانه این کنش اعتراضی پرداخت. یک زن محببه، به‌ویژه زن چادری، به دلایل فرهنگی و نمادین در مقوله‌بندی «موافق نظام» قرار می‌گیرد. نوع نگرش اجتماعی این برساخت را باور کرده است که سنخ مطلوب حاکمیت چنین زنی است و چنین زنی سنخ مطلوب حاکمیتش چنین حاکمیتی است. فارغ از این که مقوله‌بندی «موافق نظام» و «مخالف نظام» چقدر واقعی و پوشاننده همه اقشار است، زن محببه به همین واسطه خود را تحت یک فشار اجتماعی می‌دید و بدرفتاری با بدحجاب‌ها به پای او نوشته می‌شد.

تحلیل و البته تجربه عینی زن محببه از وقایع روز این بود که؛ پیامدهای اجتماعی منفی ناشی از سیاست‌های غلط حوزه عفاف و حجاب، به میانجی این که این زن نماینده حاکمیت شناخته می‌شود متوجه و گریبان‌گیر اوست. تنش‌ها و گسل‌های اجتماعی که گاه موجب ضرب و شتم و اعمال خشونت در مورد زن محببه می‌شد، این دغدغه را تقویت می‌کرد؛ لذا پیوستن به پویش مذکور در حکم نوعی اعلام برائت از این نمایندگی و فاصله‌گذاری با رویکرد حاکمیت است. زن محببه به‌نوعی می‌خواست سوار بر این پویش از کاراکتر «نماینده حاکمیت» به کاراکتر «منتقد حاکمیت» تغییر موضع بدهد. چنانچه چنین موضعی نیز علناً از لسان برخی خانم‌های محببه ایراد شد.

پس از تحلیل تفسیری انگیزه‌ها و خوانش پیام‌های اجتماعی نهفته در بطن این کنش جمعی، از منظری دیگر نیز باید به این پویش نگریم. پرسش مرکزی در این ساحت تحلیل این است که چه عاملی باعث شد که قشر زن محببه در دوگانه‌ی «سکوت» یا «احتمال مصادره» قرار بگیرد؟ برای پاسخ باید توجه داشت که کنش کمپینی، نوعی ابراز قدرت اجتماعی از طریق تجمیع اراده‌هاست. از این منظر باید «شکل‌گیری» و «تعیین محتوا» و «تنظیم رفتار» در کنش را بر اساس میزان قدرت جمعی - رسانه‌ای مطالعه کرد. قدرتمندی اجتماعی تعیین‌کننده موارد مذکور است. پس از آنکه قدرت اجتماعی به نصاب لازم برسد، می‌تواند به راه‌اندازی پویش اقدام کرده و محتوای آن را در خلال مسیر مدیریت کند. فرض و تحلیل نگارنده این است که به‌ویژه پس از سرعت گرفتن جریان توسعه



سرویس روانشناسی



غربی که به تضعیف هویت زن مسلمان ایرانی انجامید، «محببه‌ها» در واقع هرگز واجد چنین قدرت جمعی و تجمیعی به این معنا نشد. هم در نسبت با این پویش، «محببه‌ها» میزبان، سردمدار یا تعیین‌کننده جهت آن نبودند، و حتی پیش از این پویش هیچ‌گونه کنش اعتراضی یا کنش اصلاحی از سوی محببه‌ها به نحو قدرتمند دیده نمی‌شود. در حقیقت هرگز هیچ «ما»ی واقعی میان محببه‌ها شکل نگرفته است و همین موضوع - یعنی ضعف اجتماعی زنان (محببه) - باعث می‌شود که نه تنها ایشان آغازگران اصلاح یا اعتراض نباشند؛ بلکه حتی سبب می‌شود که در نسبت با کمپین شکل گرفته نتوانند به «تصاحب» آن هم فکر کنند. سکوت یا مصادره شدن از منظر تحلیل قدرت اجتماعی هر دو نشانه ضعف و فقدان است. در مقابل می‌توان از ایجاد و مدیریت کمپین یا تصاحب، مصادره یا حتی تحریم مطلق آن به مثابه نشانگان قدرت اجتماعی نام برد.

نوعی پناه آوردن از روی فشارها و انگاره‌های منفی اجتماعی به ایشان به نظر می‌رسد. هرچند که مواضع ایشان در مورد سیاست‌ها و بدسلیقگی‌ها مواضعی درست و دقیق است و اینجا تنها بحث بر سر قالب و طریق اصلاح یا اعتراض است.

ضعف اجتماعات مدنی زنانه با کم‌رنگ شدن یا رشد نیافتن نهادهای ارتباطی زنانه محل اصلی بحث است. زنان محببه باید «مای واقعی» خود را در واقعیت زندگی اجتماعی و در شبکه‌ها و چسب‌های اجتماعی تشکیل داده و کنش‌های اعتراضی یا اصلاحی را از درون این تشکله‌ها و نهادهای زنانه بجوشانند و به‌پروارند. قدرت پیش از کمپین ساخته می‌شود و تنها در کمپین ابراز و اعمال می‌شود؛ لذا باید امروز پیش از پیش به فکر بازبانی قدرت اجتماعی زنان خصوصا زنان محببه باشیم. نمایندگی این زنان برای حاکمیت نه تنها یک آسیب بلکه نوعی سرمایه اجتماعی است و این زنان در قالب همین هویت می‌توانند حتی نگاه بدنه عمومی جامعه را به حاکمیت اصلاح کنند. اینکه زنان محببه نماینده حاکمیت شناخته شوند یکی از سرمایه‌های فرهنگی است. بدین شرط که این زنان از منظر اجتماعی چنین قدرتی داشته باشند که بتوانند در چهره حاکمیت و آرایش نیروها و سیاست‌های آن تغییر ایجاد کنند.

به هر ترتیب، جمع‌بندی نگارنده این است که علی‌رغم دغدغه‌های صحیح و صواب همراهان این پویش، مؤسسان کمپین بخشی از اهداف خود را هم از منظر اجتماعی و هم از منظر سیاسی - امنیتی تأمین نمودند و حضور محببه‌ها در این کمپین که محتوایی مبهم و مؤسسانی شناسنامه‌دار داشت،

حجاب شخصیت

فاطمه اشرفی
کارشناسی مطالعات خانواده

در روانشناسی، اصطلاح شخصیت به معنای سبک یک فرد است.

هر فرد سبک خود، یعنی شخصیت خاص خود را دارد که از او انسانی واحد و منحصر به فرد می‌سازد.

می‌توان گفت شخصیت یعنی عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آنچه همراه اوست و موجب تمایز او از دیگران می‌شود. در دین اسلام، آنچه زنان را از مردان متمایز می‌کند حجاب است. اسلام رعایت حجاب را مسئولیتی بر دوش افراد جامعه می‌داند. از آنجا که حجاب یکی از احکام الهی است و انسان با عمل کردن به دستورات خداوند متعال به مقام قرب الهی نائل می‌شود، در نتیجه به یک اطمینان قلبی دست پیدا می‌کند و به کمال رضایت‌مندی می‌رسد. فرد بی‌حجاب با رعایت نکردن حجاب در واقع از قبول این مسئولیت در قبال خود و جامعه خودداری کرده، در پی نیازهای خود می‌رود و حتی دیگران را از انجام تعهدهای پذیرفته شده باز می‌دارد. بنابراین حجاب به معنای محدود کردن حوزه مسئولیت زن نیست بلکه حجاب، شرط موفقیت در انجام دادن مسئولیت‌ها محسوب می‌شود.

از نظر روان‌شناسی، مهم‌ترین عامل رشد انسان میزان ارزش و احترامی است که هر فرد برای خود قائل است و باید دید فرصت رشد شخصیت با رعایت حجاب بیشتر فراهم می‌گردد یا با عدم رعایت آن؟

در واقع نافذترین عامل رشد روانی و شخصیتی انسان، سطح حرمت خود او است. این امکان وجود دارد که برهنه شدن و جذب کردن رفتارهای جنسی، احساس رضایت زودگذر پدید آورد اما کمتر کسی برخوردار از این حالت را ارزشمند تلقی می‌کند. انسان برخوردار از حجاب، با دور نگه‌داشتن خود از دسترس دیگران، سطح ارزشمندی خود را ارتقا می‌بخشد. حجاب احساس ارزشمندی است. حجاب موقعیتی والا برای زنان پدید می‌آورد و مردان را در محدودیت قرار می‌دهد، در واقعیت حجاب زنان را محدود نمی‌کند، بلکه به مردان یادآوری می‌کند که بهره‌برداری جنسی در همه‌جا ممنوع است.

اگر زنان از حجاب بی‌بهره باشند، هر گونه توجهی به آنان جنبه شهوانی دارد و در نتیجه ارزش‌های واقعی آن‌ها فراموش می‌شود. به همین جهت تا زمانی که جاذبه ظاهری دارند مورد توجه هستند و وقتی این جاذبه از بین می‌رود، احساس غربت، پوچی و پشیمانی می‌کنند. هر قدر زن از زیبایی‌های درونی بر خوردار باشد به همان میزان خود را از به نمایش گذاشتن زیبایی‌های بیرونی بی‌نیاز می‌بیند و احساس ارزشمندی پیدا می‌کند. حجاب رمز زیبایی شخصیت زن مسلمان است، چنین زنی در خود کمبودی احساس نمی‌کند و ارزش خویش را در خودنمایی و حرکات هوس انگیز نمی‌داند.

رعایت و عدم رعایت حجاب آثار روانی، اجتماعی و سیاسی بسیاری به دنبال دارد؛ استحکام خانواده، آرامش روانی، رشد معنویت، سلامت اقتصادی، حفظ کرامت، عزت نفس و پایبندی به اصول اخلاقی را می‌توان از رعایت حجاب دانست. یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های حجاب، حفظ عزت و کرامت زن و جلوگیری از آزار سوء استفاده از شخصیت وی است، همان‌طور که در قرآن کریم گفته شد: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو، روسری‌های بلند خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.»

شکی نیست که حجاب و پوشش تأثیر بسیاری بر روح و روان زن دارد. عفاف و پوشیدگی برای زن همانند سد و حفاظی عمل می‌کند که در سایه آن از هر تحقیری در امان خواهد ماند. اهمیت حجاب زن از آن جهت است که نه تنها حافظ عفت در سطح جامعه است، بلکه وجود چنین حکمی در اسلام، نوعی احترام گذاشتن به زن مسلمان و محفوظ نگه‌داشتن وی از نگاه‌های گناه آلود مردان است.

دوست داشتن و محبوب دیگران بودن یکی دیگر از نیازهای روانی انسانی محسوب می‌شود که این نیاز با اطاعت از خداوند و محبوب او شدن به اطمینان خاطر می‌رسد. به دنبال این امر فرد احساس ارزشمندی پیدا می‌کند و با اعتماد به نفس می‌شود چیزی که نبود آن باعث مشکلات روحی، روانی و ارتباطی زیادی می‌شود. این نیاز عاطفی و روانی سبب می‌شود که زن به اصطلاح قرآن، به «تبرّج» و آرایش میل بیشتری داشته باشد و اگر این میل



روانی از حریم خصوصی خانواده به عرصه اجتماع کشیده شود، طبیعتاً نگاه جنسی مردان را به خود جلب خواهد کرد و به جای حفظ کرامت و ارزش حقیقی زن، اسیر هوس‌های زودگذر و آزار مردان خواهد شد.

زن با حجاب به این اعتماد به نفس می‌رسد که به راحتی می‌تواند با هر مردی که بخواهد ارتباط علمی و کاری خود را حفظ کند. بدون اینکه نگران تصورات غلط در مورد شخصیت خود باشد و با اعتماد به نفس بالایی که از حجاب او ناشی می‌شود به فعالیت و مسئولیت‌های خود در جامعه ادامه دهد. حجاب این اعتماد به نفس را می‌دهد که هر زنی به خودی خود، دارای اعتبار است و نه به دلیل ظاهر بیرونی خود، که قطعاً دوامی هم ندارد. اینکه ما ارزش خود را به زیبایی ظاهرمان که گذراست وابسته کنیم، یک فاجعه برای روح و روان ما محسوب می‌شود و همچنین باعث می‌شود حس بی‌اعتمادی که ناشی ترس از دست دادن این زیبایی و در نتیجه از دست دادن اعتماد به نفس و عدم توجه دیگران است، روز به روز در ما افزایش پیدا کند. در نتیجه عدم داشتن حجاب نیز به خودی خود می‌تواند اعتماد به نفس واقعی و ماندگار را از ما بگیرد.

انعکاس پوشش در مغز

بررسی عوامل روانی و بیولوژیکی پوشش بر روان و جسم انسان

زهرا غنی آبادی
کارشناسی آمار

حجاب و پوشش، تنها یک پدیده دینی نیست و از مناظر دیگر نیز مورد اهمیت قرار می‌گیرد. حجاب یک پدیده انسانی و بیولوژیکی است. خداوند در قرآن کریم نیز پوشش و حجاب را یک موهبت الهی دانسته است، زیرا حجاب انواع مختلفی دارد: «حجاب چشم» که مهم‌ترین حجاب برای مردان است و «پوشش مناسب» که مهم‌ترین حجاب برای زنان است.

اما زنان به دلیل آنکه عواطف و احساسات قوی‌تری نسبت به مردان در هر جوامعی دارند؛ از نظر روانی نفوذ پذیرتر از مردان هستند. هنگامی که زن بدون حجاب در اجتماع مردان حاضر می‌شود، به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می‌گیرد، وحدت روانی او از بین می‌رود و با از بین رفتن وحدت روانی، دچار اضطراب و آشفتگی می‌شود.

قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره نور می‌فرماید: «وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» و اگر زنان خود را بپوشانند برای آن‌ها (خیر) بهتر است. کلمه «خیر» به معنای سود و نفع است؛ یعنی هم نفع مادی و هم نفع معنوی را در بر می‌گیرد. همان‌طور که در قرآن ذکر شده است و همه ما می‌دانیم؛ صاحب قلب پاک کسی است که از آلودگی‌های معنوی و اخلاقی مبری باشد و این زمانی اتفاق می‌افتد که تعادل فکری و روانی کامل داشته باشد. در روانشناسی از این ویژگی‌ها به سلامت روانی یاد می‌شود.

حال به برخی از آثاری که حجاب در سلامت و آرامش روانی زنان دارد می‌پردازیم.

امنیت، رشد روانی و عاطفی، ارزشمند شدن جایگاه زن، افزایش احساس خود ارزشمندی، محافظت از عواطف انسانی زن، پایبندی به اصول اخلاق انسانی و حفظ استواری خانواده‌ها.

لکن در ارتباط با حجاب چشم؛ خداوند وقتی از چشم به عنوان منفذ و ورودی ذهن و روح انسان

سخن می‌گوید از سیستمی صحبت می‌کند که بیش از ۱۰۰ میلیون نورون در آن نهفته است. مغز ورودی‌های خودش را از طریق روش‌های حسی خود مانند چشم‌ها، گوش‌ها، دهان، بو، لمس و ... دریافت می‌کند، این اطلاعات هنگامی که دریافت می‌شوند در قسمت‌های مختلف مغز پردازش شده و در مرحله بعد به یکدیگر می‌پیوندند و فرایندی را شکل می‌دهند که در نهایت منجر به اقدامی فیزیکی و مادی خواهد شد. نکته بسیار مهم در فرایند مغزی این است که بیش از ۸۰ درصد از تمام اطلاعات حسی که به مغز وارد می‌شوند، از طریق چشم و دیدن است، بنابراین کنترل ورودی محرک‌های حسی از چشم‌ها می‌تواند در حد قابل توجهی بر عملکرد وظایف سایر سیستم‌ها مانند حافظه، تجزیه و تحلیل اطلاعات ذخیره شده، پردازش تفکر و طبقه‌بندی اطلاعات تأثیر بگذارد. حسگرهای مغزی انسان‌ها دارای قدرت تشخیص صحیح از غیر صحیح نیستند و هرآنچه وارد مغز کنیم، آن را مورد پردازش قرار می‌دهد و سپس آنرا تبدیل به خروجی می‌کند. بنابراین باید مراقب ورودی‌های ذهن باشیم و چیزی را که ارزشی ندارد و بر سلامت ما هم از نظر روانی و جسمی تأثیر بد می‌گذارد وارد ذهن نکنیم.



سَر و وحدت روانی

راضیه جلالی
ارشد روانشناسی تربیتی

از سوی دیگر پیامدهای اجتماعی ضعف حجاب عبارتند از:

بروز ناامنی و گسترش فساد: در جامعه‌ای که بی‌حجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها تمامی نخواهد داشت و برخی از کج‌روی‌های اجتماعی نظیر مدگرایی، خشونت‌های خیابانی و آزارهای جنسی گسترش خواهد یافت و بی‌حجابی ارزش‌های راستین دختران و زنان را تحت‌الشعاع ظاهر جنسی‌شان قرار میدهد، در نتیجه خود و اجتماع را به فساد، تباهی و ضد ارزش‌ها سوق می‌دهد.

برهم زدن نظم روابط جنسی: پوشش و حجاب زمینه بروز بزهکاری‌های جنسی را به حداقل میرساند و اعضای جامعه را به سمت تشکیل خانواده و روابط جنسی و عاطفی قاعده‌مند سوق میدهد. حجاب

مسئله پوشش و حجاب زن، حقیقتی به بلندای تاریخ است که هر زمان رنگی یافته و هر کس با دیدگاه خود آن را نقد و بررسی کرده است. گروهی که مخالف پوشش بوده‌اند، دلایلی را که برای فلسفه حجاب آوردند؛ میل به ریاضت و رهبانیت، استثمار زن، احساس عدم امنیت و حسادت است. آیا اسلام که این حکم را بر زنان فرض کرده، این دلایل را می‌پذیرد؟ یا آنکه فلسفه حجاب اسلامی مطلب دیگری است؟ اهمیت حجاب زن از آن جهت است که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوی و عفت است بلکه همسو با فطرت زن است.

در همه ادیان، به مسئله عفاف و حجاب توجه شده، اما همیشه افراط و تفریط‌های نیز وجود داشته است. اسلام واضع قانون حجاب نیست؛ بلکه آن را قانونمند و متعادل نموده تا با روحیه و سرشت انسانی زن سازگار باشد.

دلایل عقلی و توصیه‌های دینی بسیاری، درباره فواید حجاب وجود دارد که امنیت اجتماعی، سلامت روانی، بهداشت جسمی و نیز استحکام بنیان خانواده از آن جمله است. رعایت حجاب، ضمن حفظ سلامت اخلاقی و شخصیتی زن، به وی نقش دفاعی در برابر آسیب‌های فردی و اجتماعی میدهد.

آثار و پیامدهای فرهنگی بی‌حجابی عبارتند از:

وازدگی در برابر فرهنگ بیگانه: فرآیند بی‌حجابی، مقدمه هنجارشکنی و جایگزین ساختن هنجارهای مورد نظر فرهنگ مهاجم و زمینه‌ساز احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و پذیرش تهاجم فرهنگی است.

تضعیف اعتقادات و تقیدات دینی در جامعه: جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند. بی‌حجابی، نشانه پایبند نبودن و بی‌مبالاتی فرد نسبت به احکام و اعتقادات اسلامی است.

باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و تعاملات قاعده‌دار شود.

تزلزل بنیان خانواده: برای ثبات خانواده، عفت و حجاب خانوادگی، مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت جنسی و خود نمایی‌های خود را از محیط خانوادگی به بیرون بکشاند، چشم‌ها به سوی او نشانه می‌روند و او دیگر از نگاه‌های شوهر لذت نمی‌برد و این امر در مورد شوهر نیز صدق می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش بدحجابی، باعث بالا رفتن آمار طلاق، هوس‌مداری، چشم‌چرانی و مقایسه همسر با دیگران می‌شود.

در پژوهشی نشان داده شده است که کارکردهای مهم حجاب از دید زنان مسلمان ایالات متحده، عامل‌های هویت دینی، کنترل رفتار، ایجاد ارتباطات نزدیک خانوادگی، قابلیت احترام بیشتر و ایجاد آزادی هستند. امروزه زنان مسلمان ایالات متحده، حجاب را به‌عنوان هویت مذهبی و اجتماعی خود پذیرفته‌اند. یکی از اهداف آنها برای پوشیدن حجاب، انتقاد به فرهنگ رایج فردگرایی، مادی‌گرایی و بی‌بندوباری جنسی در ایالات متحده است. پژوهشی

در بین دختران بنگلادشی نشان داد، دخترانی که لباس‌های سنتی و مذهبی را بر لباس‌های غربی ترجیح میدهند، کمتر مستعد مشکلات روانی در زندگی آینده هستند. پوشش، مؤلفه لازم در هویت فردی است و نوع پوشش انتخابی توسط دختران، اثرات دراز مدتی بر به‌زیستی آنها دارد.

شهید مطهری می‌گوید:

حقیقت این است که بدبختی‌ها و سیه‌روزی‌های قدیم زن، غالباً معلول این جهت بود که انسان بودن او به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی‌های جدید او از آن جهت است که عمداً یا سهواً، زن بودن او و موقعیت طبیعی و فطری، رسالت، تقاضای غریزی و استعدادهای ویژه وی به فراموشی سپرده شده است.

زنان به این دلیل که مسئولیت خانوادگی بیشتری دارند و در دو صحنه مهم زندگی یعنی، همسرمداری و فرزندپروری نقش برجسته‌تری دارند، بیشتر مورد توجه اسلام قرار گرفته‌اند. زنان باید از مجموعه دستورات خانوادگی اسلامی زندگی، رضایتمندی و نشاط داشته باشند. دین اسلام برای محفوظ نگه‌داشتن روان زن از عوامل آسیب زاء، حجاب و عفاف را بر او واجب کرده است و به این ترتیب خوشی را برای زن می‌پسندد و تأمین آن را در سایه عفاف مجاز می‌داند.

حجاب تأمین‌کننده وحدت روانی زنان است و برای سلامت روانی آنها ضروری است؛ چرا که زن عواطف و احساسات قوی تری نسبت به مرد دارد و از نظر روانی نفوذ پذیرتر از مرد است؛ یعنی بیشتر از مرد از عوامل محیطی متأثر می‌شود. این تأثیر و نفوذ پذیری وقتی از یک منبع، یعنی از سوی شوهر باشد، باعث حفظ وحدت و یگانگی روانی زن می‌شود، اما زمانی که از چند منبع باشد، آن زن بدون حجاب در اجتماع مردان نامحرم حاضر می‌شود و به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می‌گیرد وحدت روانی او از بین می‌رود و با از بین رفتن وحدت روانی، دچار اضطراب و آشفتگی می‌شود.

«ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن؛ این کار (حفظ حریم بین زن و مرد) برای پاک‌ی دل‌های شما و آنها بهتر است.

بنابراین می‌توان گفت طبق این آیه، اثر مهم حجاب برای زن، طهارت و پاک‌ی قلبی است که مقدمه‌ای برای رسیدن به سلامت قلبی (قلب سلیم) است و در روانشناسی از آن به «سلامت روانی» تعبیر می‌شود.



سرویس فرهنگی - هنری

فرائض الهی برخوردار باشند، تربیت دینی کودکان و نوجوانان از جمله در فریضه حجاب و عفاف نتیجه خواهد بود و اگر این سه عامل نامطلوب باشند تربیت دینی به معنای واقعی محقق نخواهد شد.

در روایات نیز به تأثیر روانی حجاب بر زن اشاره شده است. امام علی در وصیت خود به امام حسن می‌فرماید: «وَأَكْفَفَ عَلَيَّهِنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيَّهِنَّ؛ (زنان را) در پرده حجاب نگاه‌دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است».

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد. نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم و هرکس دیگری بالاتر است. و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که جامعه را تربیت کنند و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند».

در آخر گریزی می‌زنیم به تأثیر خانواده و نقش اساسی که در تربیت اخلاقی و سلامت روحی و روانی کودک و نوجوان دارد. تربیت دینی کودکان و نوجوانان، از جمله نهادینه نمودن حجاب و عفاف، بایستی در دوران قبل از دبستان و از طریق ایجاد انس نسبت به مسائل و ارزش‌های دینی تحقیق یابد. اگر این شناخت حاصل شد تربیت و پرورش و رشد کودکان و نوجوانان بهتر، راحت‌تر و صحیح‌تر انجام می‌گیرد. ارزش‌ها آگاهانه و عالمانه درونی می‌گردد و عمق می‌یابد و سطحی و زودگذر نخواهد بود. تربیت دینی بدون بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌ها و مهارت‌ها و بدون برنامه و صبر راه به جایی نخواهد برد و نتیجه مطلوبی عائد نخواهد شد.

والدین باید با روش‌ها و شیوه‌های عملی و اجرایی تربیت آشنا باشند تا از میان آنها شیوه‌هایی را که با شرایط ویژه فرزندان سازگار است برگزینند و در تربیت فرزند خویش از آن بهره‌گیرند؛ مانند روش‌های اسوه‌سازی، مهرورزی، تشویق، تنبیه، انتقاد، تغافل و ...

در تربیت عواملی نقش‌گذار هستند که عبارتند از وراثت، محیط و معاشران و دوستان که اگر این سه عامل از روحیه‌ی دینداری و تقید به ارزش‌ها و

بی‌حجابی، ناجی گیشه‌ها

بررسی حجاب در سینما و سینما

نرگس عابدینی
کارشناسی مطالعات زنان

که رخ داده است، بیان رویکرد ناب اسلامی در زمینه حجاب و عفاف در کشور اسلامی به وسیله ابزار هنری مؤثر از جمله سینما حائز اهمیت است. متأسفانه فیلم سازان در بیشتر مواقع به دنبال پر فروش بودن گیشه فیلم‌های خود هستند نه محتوایی که به مخاطب ارائه می‌شود؛ محتوایی که فاقد داده مفید هنری و اجتماعی است.

در سینمای حال حاضر برخی مسائل نادیده گرفته شده و خواه ناخواه در حال انعکاس الگویی نامناسب در حوزه حجاب و عفاف برای دختران و زنان است که هیچگونه سنخیتی با فرهنگ ایرانی-اسلامی ندارد. در فیلم‌های سینمایی برای زنان و مردان پوشش‌هایی خلاف پوشش معمول اکثریت مردم جامعه عرضه می‌شود؛ پوششی است که برای هنرپیشه فیلم در نظر گرفته می‌شود تا اینکه متناسب با ارزش و فرهنگ یک جامعه اسلامی باشد و متأسفانه الگویی غلط برای نسل جوان و نوجوان شکل می‌گیرد.

در اکثر فیلم و سریال‌های حال حاضر بازیگران زن با آرایش، پوشش و طرز رفتاری که در شأن و شخصیت یک زن ایرانی نیست نقش آفرینی می‌کنند؛ رفتار و پوششی که به هیچ وجه نمادی از ارزش‌هایی چون وقار، حیا و عفاف نبوده و تصویری خلاف هویت حقیقی زنان و دختران است و خواسته یا ناخواسته بر علیه باور دیرینه فرهنگ جامعه دست به تولید اثری بی‌محتوا می‌زنند. در برخی آثار سینما و تلویزیون، حضور زنان محجبه در بدترین شرایط زندگی یا شخصیتی منفی و خشن همراه است. بازیگران محجبه در فیلم‌ها نقشی بی‌اهمیت را ایفا می‌کنند. همچنین نوع استفاده از چادر نیز نامناسب است و گاهی حجاب و پوشش مورد تمسخر واقع می‌شود و افسوس که این خانه از پای بست ویران است زیرا برای ترویج و تبیین مسئله‌ای همچون حجاب از طریق سینما و تلویزیون که رسانه‌هایی با نفوذ بشمار می‌روند؛ از افرادی استفاده می‌شود که پایبند به حجاب نیستند. تأثیر سلبریتی‌ها تنها در فیلم‌ها نیست بلکه حضور ایشان در جامعه و در قالبی خارج از سینما، نوع پوشش و زندگی آنها برای نسل امروزی اهمیت دارد و دنبال می‌شود. در سینمای امروز با خلأحمایت و

بشریت در تمامی ادوار زندگی خویش همواره نیاز و اهمیت الگویی جامع و مناسب را نسل به نسل تجربه کرده است؛ زیرا عدم وجود الگو، انسان را دچار خلاهای جدی خواهد کرد و حرکت در زمینه‌های گوناگون را سخت و مملو از خطا می‌کند. دختران و زنان به‌عنوان قشری مؤثر در بستر خانواده و اجتماع دارای نقش‌های چندگانه هستند و همانند تشنگانی می‌مانند که باید آنها را با ارائه الگویی اسلامی-انقلابی و معرفی‌شان و شخصیت حقیقی زن سیراب کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، استراتژی امام خمینی(ره) این‌گونه بود که باید از ظرفیت هنر سینما در مروج ساختن ارزش‌ها با توجه به مبانی فکری، دینی و ارزشی نظام اسلامی از سطح تاثیرگذاری این هنر بر مخاطبین استفاده برد. همچنین به دنبال تحولات فرهنگی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در میان طرق گوناگون تبلیغ مبانی دینی، سینما و هنر به‌عنوان ابزاری جذاب، رسا و بلیغ باید منعکس کننده تبیین و تفسیر دیدگاه اسلام پیرامون هویت واقعی زن همچنین فرهنگ حجاب و عفاف می‌بود؛ اما سینمایی که در آغاز برای خدمت به بشریت به وجود آمد بود، توسط سودجویان به آلتی قدرتمند و نفوذ پذیر در جهت فساد اخلاقی و تباهی ارزش‌ها مبدل شد و آنطور که باید و شاید به‌عنوان هنر و ابزاری کارآمد و فراگیر نتوانست تغذیه فکری و فرهنگی مناسبی برای زنان باشد.

در میان علل مختلف و مؤثر بر ترویج پدیده بدحجابی در این یادداشت به بررسی تاثیر سینما بر حجاب و پوشش زنان خواهیم پرداخت.

یک فعال متعهد و دغدغمند باید در انتخاب موضوع فیلم خود به اهمیت اجتماعی و ارزش فرهنگی آن توجه داشته باشد و یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مطرح و پر حاشیه در فرهنگ اصیل ایرانی و دین اسلام، حجاب، حیا و وقار جدا نشدنی زن ایرانی است که در طول تاریخ تحت تأثیر عواملی، دچار تغییرات شده است. در عصر حاضر با وجود ابهامات بسیاری

تبیین از حجاب و عفاف مواجه شده‌ایم و رویکرد فیلم سازان در راستای تخریب حجاب، بی‌فایده و دست و پاگیر جلوه دادن حجاب برتر(چادر) است. اینگونه جلوه دادن حجاب و بی‌ارزش کردن آن مخاطب را نسبت به حجاب و عفاف دچار تردید و سستی خواهد کرد. در صورتی که اساس این تبیین از پوشش و زن با واقعیت جامعه و اصل دین بسیار متفاوت است. در عصر کنونی خلأ معنویت و نادیده‌انگاری ارزش‌ها مهم‌ترین بستر برای سوءاستفاده دشمنان است تا با جایگزینی زرق و برق‌های صرفاً تجملاتی فرهنگ

غربی، دست به نابودی یکی از اساسی‌ترین سرمایه‌ها و ابزار مقاومت در برابر ابتذال و کالایی شدن زنان در صنعت مد و رسانه بزنند. لکن مؤثرترین گام در جهت تبیین درست هویت و شأن یک زن، ایجاد تغییر در نگرش و کارکرد غرب‌زده سینما و رسانه است. حجاب جدا از مبحث فرهنگی نیست و باید برای تقویت آن کار فرهنگی را رونق داد و این رونق دست یافتنی نیست مگر آنکه تمام ابعاد مربوطه را مسلح به مبانی دینی و معرفتی کنیم. در غیر این صورت موفقیتی در زمینه ترویج و معرفی حجاب نخواهیم داشت.



زن ارزشمند یا کالای دست یافتنی

بررسی عوامل فرهنگی در ضعف پوشش

ندا دشت بزرگی
کارشناسی حقوق

اگر بخواهیم به مقوله و تاریخچه این بحث بپردازیم که از کجا و از چه زمانی وارد کشور ما شد و عنصر جدا ناپذیر زنان در برخورد با اجتماع و رعایت آن در بستر فرهنگی و به عنوان یک پوشش بی برو برگشت پذیرفته شد، باید بگوییم برای امروز و دیروز نیست. اینکه پذیرش حجاب با ورود اسلام از سوی ایرانیان مورد عنایت قرار گرفت نظریه کاملاً غلطی است زیرا مقوله حجاب قبل از ورود اسلام در بین ایرانیان بوده و یا شاید سخت تر و سفت تر...

در اسلام حجاب قانونمندتر بود اما قبل از ورود اسلام به ایران پوشش وجود داشت؛ یعنی قبل از اینکه پوشش حجاب یک عقیده باشد یک مقوله‌ای بود که به عنوان فرهنگ میان مردم آن زمان پذیرفته شده بود. اما چه می‌شود که در ایران امروز این مقوله فرهنگی که از عقیده سبکه ان در کشور ما بیشتر است و همچنین یکی از عوامل اصلی پذیرش عقیده اسلام نیز همین مقوله بوده، دیگر مورد پذیرش عامه بانوان این جامعه نیست.

آیا جامعه، جامعه دیگر است؟ یا مردم این جامعه مردمی دیگرند یا ساختار فرهنگ عوض شده. ولی مقوله همان مقوله است.

در فرهنگ هخامنشی زنان اصیل و سطح بالای جامعه با میل و رغبت حجاب داشتند؛ زیرا هلائی ارزش بودند و بر عزت ایشان افزوده می‌شد. در صورتی که آیه و حکم اسلامی حجاب به آنان نرسیده بود اما هم اکنون با وجود حکم اسلامی مسلمان به قبول این حکم صحنه نمی‌گذارند. شاید این کشور و حکومت‌های مختلف برای واردات خود را آماده نکرده بودند و اکثر آن کالای وارداتی فرهنگ برای زنان بوده در حالی که قبل از وارد کردن آن، زنان را برای ورود آن آماده نکرده بودند که حجاب خود را چگونه در مقابل این تازه وارد حفظ کند.

زنان امروزی برخلاف زنان دوران هخامنشی که اگر بیرون می‌رفت در کجاوه بود؛ الان به دانشگاه می‌رود،

ماشین می‌راند، تمام پله‌های قله علم را می‌پیمایید، فضا نورد است، کوهنوردی می‌کند اما حجاب وی از سطح زنان خانه نشین دوران هخامنشی پایین تر است. چرا؟ آیا حجاب مخالف پیشرفت است؟ دست و پای انسان را می‌بندد؟ مانع پیشرفت زنان می‌شود؟ نه... اینطور نیست. پس چرا زن امروز ایران با وجود تمام علمی که دارد این ارزش را برای خود نمی‌خواهد؟ مشکل از کجاست؟ از آن جایی زنان به تمام مناصبها و مقامات مردان دست یافتند اما به ارزش وجود خود آگاهی ندارند. یعنی تو جواهر نیستی، چیز ارزشمندی نیستی که خود را از نامحرم بپوشانی. تو کالای دسته دومی.

در بعضی از خانواده‌های کشور اگر دارای فرزند دختر شوند عزا می‌گیرند و نذر و نیاز می‌کنند که فرزند ایشان پسر باشد. در چنین جامعه‌ای که اگر به خواستگاری دختری بروند اول می‌پرسند؛ چشمش چه رنگی است؟ قد و بالای او چقدر است؟ امروز دختری که اگر نخوانده ولی شالوده فکری «الرجال القوامون النساء» به ذهن او می‌رسد که اگر می‌خواهد قوام پیدا کند؛ هر چه چهره عملی‌تر، لنز چشم زیباتر، کمر باریک‌تر، موی مش کرده مثل زنان غربی افشان‌تر، در این جامعه به قدم یا شاید صد قدم به این قوام نزدیک‌تر. در جامعه‌ای که فقط گفتند بپوش، بگیر، ببند. اما علت را توضیح ندادند.

این جامعه حجاب زنان از حجاب زن غربی بلکه بدتر از آن می‌شود، زیرا برای این بستر آماده نشده است. یعنی عمل کننده به آن، آن را چیز لازمی نمی‌داند. در جامعه‌ای که در تمام فیلم‌های آن هر چه نوکر و کلفت است حجاب دارد؛ حجاب که هیچ، حجاب برتر چادر دارد اما خانم والای با سواد آن پشت ماشین شاسی بلند است با مانتو و کفش‌هایی تریغ تریغ می‌کنند. در این جامعه زنان حجاب نمی‌گذارند که اگر بگذارند به همت خود آنها بوده و لا غیر.

جامعه‌ای که در فرهنگ ان زنان حرف اساسی نمی‌زنند، حرف سنجیده نمی‌زنند، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کمترین بودجه را به مسئله زن می‌دهند، حجاب می‌شود «تابو»، تابو را



باید برداشت تا رها شد. اصلاً می‌شود «قفس» باید شکست تا آزاد شد. تا مثل زنانی که در افکار خود از زنان غربی ساخته‌ایم باشد؛ زنی که حرف می‌زند، فعالیت موثر دارد، زیباست و قدرت تاثیر گذاری در اجتماع دارد.

این بحث را کردیم تا بگوییم فلسفه حجاب از اول بشریت نه از اسلام (که البته هرآنچه خوبی است از اسلام محمد است و بس) این بود که به زن ارزش بدهد، دید تکبرانه بدهد، زن را از یک کالا به یک موجود دست نیافتنی تبدیل کند، کسی که حتی برای حلال اگر در کنار او بخواهی باشی باید تلاش کنی نه اینکه پشت ویتترین دکانی ببینی، نپسندی، چرخ را بزنی و دوباره برگردی.

حجاب می‌گوید دید متکبرانه؛ یعنی خانم متکبر که قرار بود با حجاب اولیا مخدره باشد، به جنسی بدل شده که در هر سر خیابانی قابل دسترسی آسان است زیرا از صدر تا زیر فرهنگ سازی نشده است که زن باید ابتدا در خانواده سپس در اجتماع دیده شود تا خود را بپوشاند و کمتر دیده شود. اگر ارزش گذاری و دید متکبرانه زنانه نباشد زن همان کالای قابل

دسترسی آسان است ولو پوشیه بزند.

در اسلام براساس روایت آمده که از خصلت زن مومن متکبر بودن به نامحرم است. اما در جامعه جا نیافتاده که قابل ارزش گذاری باشد یا اصلاً در ارزش گذاری لحاظ شود که متکبرانه برخورد کند یا خود را موجودی فاخر ببیند که قابل تکبر باشد.

آن زنی که در دین خود (جدای از تاریخ که پر از زنان پر افتخار از بی بی مریم تا تهمینه است) زنی است که مجوز شفاعت کل عالم دست اوست، او که دلیل خلقت است، زنی که دارای دینی است که در حالی که اسیر است، عزادار است، بی پناه است و مقابل سلاطین و امپریالیسم آن برهه تاریخ می‌ایستد و نگاه برمی‌تابد و طوری رفتار و کردار نشان می‌دهد که همان سلطان جابر می‌گوید: «این زن انگار سلطان است و من اسیر...» زنان این دین اگر عوض شدند، اگر مثل فاطمه و زینب‌های دین نیستند، به خاطر این است که فرهنگ تربیتی آنها مثل تربیت فرهنگی فاطمه سلام الله علیها و زینب علیها الرحمه نیست. و سلام.

حجاب استایل ها

محمدصادق ایزدخواه
طلبه سطح ۴ حوزه علمیه

ما در زمانی زندگی می کنیم که اسم آن را «عصر ارتباطات» گذاشته اند. هر چه ورود تکنولوژی به زندگی انسان بیشتر می شود، در پی آن فرهنگ و سبک زندگی ما را دستخوش تغییرات میکند و به عبارت دیگر باید با این مهمان زندگی های امروزی کنار بیاییم تا زندگی را برای ما شیرین تر و راحت کند

اما این ماجرا فقط یک روی سکه است! از طرف دیگر جنبه فرهنگی هر پدیده نوظهور است که نمی توان از آن چشم پوشید و باید با در نظر گرفتن آن حکم به مبارک یا شوم بودن آن پدیده کرد!

با ورود فضای مجازی به کف جامعه و وابستگی هر چه بیشتر زندگی، کار، بیزینس، خدمات و... به این دریچه جادویی حضور این مهمان ناخوانده رو در کنار خود بیشتر حس می کنیم تا جایی که کار به جایی رسیده که شاید یک روز را نتوانیم بدون آن بگذرانیم!

اما این ماجرا چه ارتباطی با موضوع این یادداشت دارد؟! یکی از زمینه هایی که با فراگیر شدن شبکه های اجتماعی رونق گرفت، صنعت مد و پوشاک بود که بخشی از رشد سرشار خود را مدیون این فناوری جذاب هست!

تا این جای داستان ما همه چیز بر وفق مراد است و صنعت مد سود خودش را به تاجران این بازار گسترده می دهد و بحث چالش برانگیزی وجود ندارد! این داستان از جایی نگران کننده می شود که مفاهیم خاص، والا و ارزشمند دینی به طرز ناشیانه ای می خواهد در چارچوب این رسانه قرار بگیرد. وقتی این اتفاق رخ میدهد تناقض هایی به وجود می آید که برای هر کسی تعجب آور است. پدیده ای که این روزها جنجال زیادی به راه انداخته نمونه خوبی برای این تناقض هاست مسئله ای به نام حجاب استایل ها!

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که با عکس یا ویدیویی از یک خانم مواجه بشوید که با حجاب مشغول ساختن دابسمش هست یا آرایش غلیظ بر چهره دارد! اینجاست که آن تناقض در ذهن شما دوباره جلوه می کند که چه اتفاقی افتاد که به اینجا رسیدیم! باید آن حجاب را باور کنیم یا حرکات عاشقانه که با یک موزیک ترکیب شده و کنارش هم باید یک آقا با ریش و ظاهر مذهبی هم به این ویدیو اضافه شود تا جذابیت کار را بالاتر ببرد

مخاطب متدین مبهوت! به عدد فالوئر آن خانم حجاب استایلیست نگاه می کند و می فهمد چقدر این جریان برای دیگران جذاب است!

داریم از مد اسلامی صحبت می کنیم! پدیده ای که خانم هایی که در آن فعالیت می کنند با عنوان حجاب استایلیست شناخته می شوند و گاهی اوقات برای بالاتر رفتن جذابیت کار را تا جایی پیش می برند که در واقع مفهومی به نام حجاب اصلا نادیده گرفته می شود!

این از ویژگی هایی است که در ذات این رسانه لیبرال قرار دارد که تو اگر میخواهی بیشتر دیده بشوی باید از یک سری ارزش های خودت دست بکشی اگر میخواهی به درآمد بالا برسی باید خودت را بیشتر عرضه کنی!

اما وقتی به معنی و مفهوم حجاب در منابع دینی مراجعه می کنیم می فهمیم حجاب واقعی با آن چیزی که توسط بلاگر های حجاب معرفی می شود متفاوت است. حجاب واقعی یعنی عدم جلب توجه در حالیکه وقتی فردی در این فضا خودش رو حجاب

استایل معرفی می کند باید هرچه بیشتر تلاش کند تا توجه بیشتری به خود جلب کند، تا جذاب تر به نظر برسد تا هر روز با رنگ و لعاب بیشتری جلوی دوربین حاضر شود تا مخاطب خود را بیشتر راضی کند یا فروش آن محصول بیشتر شود.

اشکال بزرگی که به مسیر این افراد وارد می شود این است که با سطح اطلاعات دینی ضعیف و صرفا بخاطر محجبه بودن به عنوان نماد دینداری معرفی می شوند و زمانی که مخاطب این تناقض ها را میبیند متأسفانه نسبت به مفاهیم دینی و دینداری بدبین می شود

کار به جایی رسیده است که خیلی از بانوان متدین و محجبه از این سبک فعالیت ها اظهار تأسف و انتقاد می کنند و نه تنها این کار تبلیغ حجاب نمی دانند بلکه آن را مخالف ارزش های دینی می دانند

زمانی که یک ارزش اصیل یا یک باور عمیق از مفهوم اصلی خود تهی شد دیگر ارزشی ندارد مثل یک گردو که به غیر از پوسته آن محتوایی ندارد، اتفاقی که دشمن تمایل دارد رقم بخورد اینست که مظاهر دین بماند اما نشانه ای از دینداری واقعی نباشد. مثلا فردی با ظاهر محجبه خودش را عرضه کند اما ذره ای حیا و عفت نداشته باشد و فانتزی هایی را در ذهن مخاطب ایجاد کند که با زندگی واقعی فاصله فاحش دارد

گفتن این حرف ها به معنای عدم ورود بانوان محجبه به عرصه های مختلف با استفاده از تکنولوژی و فناوری روز نیست، بلکه زنگ خطری است برای این دینداری ما خالی از ارزش های اصیل نشود و با معلومات فیک ذهن ما پر نشود

برای این که در مقابل این پدیده اقدام موثر انجام بدیم یکی از مهم ترین کارها عدم حمایت از کسانی هست که ضربه به حجاب و حیا واقعی می زنند و دیگر اینکه فراموش نکنیم حجاب استایل مروج حجاب نیست بلکه صرفا یک مدل و مانکن لباس است که در صنعت مد فعالیت می کند و در بعضی مواقع ممکن است بر خلاف پوشش و ظاهر خود کاری کند که با اعتقادات ما تناقض داشته باشد پس اصلا قرار نیست به عنوان الگو برای ما در نظر گرفته شود.

فراموش نکنیم برای میراث حجاب و حیا که از حضرت زهرا (س) به دست ما رسیده هزینه ای زیادی شده است پس اجازه ندیم به اسم حجاب و ارزش های دینی این سرمایه عظیم به دست چند بلاگر به تاراج برده شود. خلاص!



با حجاب‌ها بخوانند

راهکارهای مقابله با بدحجابی

فاطمه زمانی
کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی

مهم‌ترین مسئله‌ای که در بحث حجاب باید به عنوان اصلی‌ترین راهکار دنبال شود، تبیین مسئله «حجاب» است؛ تبیین شرعی و منطقی. آن چیزی که اساساً لازم است و از هر چیز دیگری مهم‌تر این است که ذهن انسان مسئله را خوب بفهمد، فواید آن را بداند و فلسفه آن را درک کند.

این مسئله برعهده چه کسانی است؟ اول از همه برعهده تمام زنان محجبه‌ای است که به آن معتقدند. آن‌ها باید نشان دهند که حجاب مایه تشخص و آزادی زن است، با رشد فکری، عملی، اجتماعی و سیاسی، با آرامش و فضیلتی که در عمل نشان می‌دهند. پس مسئله تبیین برعهده همه است، به ویژه زنان محجبه‌ای که در جامعه تأثیرگذارترند. نباید تعریف

دختران و زنان جوان از حجاب، لایف استایل‌های مذهبی و شبکه‌های مجازی باشد؛ که بعضی از باحجاب‌ها هم بیشتر ریشه بر تیشه حجاب می‌زنند.

ارائه الگویی متناسب با شرایط امروز جامعه

باید برای دختر مسلمان الگویی وجود داشته باشد که با وجود حجاب، تمام آرمان‌های او را تحقق بخشیده باشد و او بتواند با آن ارتباط برقرار کند. خیلی از زن‌ها گمان می‌کنند برای اینکه قدرتمند بشوند باید حتماً احساسات و عواطف خود را نابود کنند و آن را مایه ضعف زن می‌دانند. در حالی که «عاطفه» امتیاز زن است و این مسئله در بزرگ‌ترین زنان تاریخ اسلام به وضوح دیده می‌شود.

کارتبلیغاتی قوی ولی مردمی

باتوجه به کارهای تبلیغاتی که غرب با تمام قدرت برای ترویج بی‌حجابی به کار بسته است، یکی از مهم‌ترین نیازها در این زمینه کار تبلیغاتی است که این مسئله حتماً نباید در رسانه ملی یا از سمت دولت یا به تنهایی دنبال شود. بلکه باید از دل مردم باشد، از مساجد و هیئت‌ها شروع شود، که به حمدالله امروز

انجام می‌شود و آن شالله روزبه روز بیشتر شود. آن تأثیری که این مسئله دارد خیلی اوقات با هزینه‌های خیلی گزاف و تبلیغات آنچنانی اتفاق نمی‌افتد، تبلیغات باید همه جانبه و گسترده باشد ولی سهم مردم در این قضیه باید بیشتر از همه باشد.

مسئله بعدی مشکل بدحجابی در ادارات باید حل شود آن هم نه با آیین نامه‌های کدایی که توهین به زن است باید افراد معتقد و پایبند به موازین شرعی مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرند.

باترویج بدحجابی در مراکز آموزشی به ویژه دانشگاه‌ها باید مقابله شود. این مسئله خیلی مهم است اگر شادقت کنی بیشتر اوقات این مسئله‌ها از دانشگاه سرچشمه می‌گیرد. اگر استادی یا حتی دانشجویی علنی مسئله بدحجابی را ترویج می‌دهد باید با او مقابله شود. حالا این مقابله این نیست که او را بفرستند کمیته‌ی انضباطی باید مقابله از سمت خودیچه‌های معتقد به حجاب در دانشگاه باشد.

و در آخر امر به معروف و نهی از منکر باید به صورت «رفیق لمن یأمر و رفیق لمن ینهی» امر به معروف و نهی از منکر یعنی دست‌ور دادن به معنای تمنا کردن نیست ولی باید با محبت با مدارا باشد نه با خشونت.



آموزش و پرورش برای ترویج حجاب

چه کرده و چه باید بکند؟

زهرا عظیمی
کارشناسی علوم تربیتی

تاسفبرانگیز اینجا است که این تشویق‌ها، بر اساس مبنای اسلامی نیستند و گاهی ذوقی و سلیقه‌ای دانش‌آموزان تشویق می‌شوند.

- قضاوت ظاهر افراد بدون در نظر گرفتن پیشینه‌ی فرهنگی و خانوادگی دانش‌آموز

- تخصیص مدارس ویژه و جداسازی جامعه به دو طیف مذهبی و غیر مذهبی با معیار حد و حدود حجاب

- صرف انتقال روایات و احادیث درباره‌ی حجاب، بدون توجه به سن دانش‌آموزان و سایر ارزش‌های اسلامی

- حتی در بعضی مدارس، اجباری کردن چادر برای ورود و خروج از مدرسه

این موارد تنها بخشی از سیاست‌هایی که بود معمولاً دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل خود، تجربه می‌کنند؛ جای تامل بیشتر اینجا است که آیا اساساً، مگر نه اینکه حجاب کامل زن، برای نامحرم تعریف می‌شود؟ پس چه لزومی دارد که در مدارس دخترانه، دختران ملزم به رعایت پوشش در طول روز باشند؟ بهتر است تا آموزش و پرورش، شرایطی را فراهم کند که در مدارس دخترانه، نامحرمی نباشد تا دانش‌آموزان بتوانند راحت‌تر باشند. اینکه دختران امروزی جامعه ما، کف خیابان را محلی برای بروز و ظهور ظواهر خود می‌دانند، شاید ریشه‌های آن را در بسته نگه‌داشتن اجباری محیط در طول سال‌های کودکی و نوجوانی آنها بتوان یافت.

بعلاوه اینکه اساساً وقتی نوع خاصی از حجاب، بر دانش‌آموزان تحمیل شود؛ در واقع هم سلیق افراد در نظر گرفته نمی‌شود و هم به نوعی افراطی‌گری در این مسئله است. چرا که اگر لازم بود تا نوع خاصی تعیین شود، حتماً خداوند این حکم را، می‌داد یا صرف استفاده از یک رنگ یا یک نوع حجاب را جایز می‌شمرد. البته که در برتر بودن چادر شکی نیست، اما طیف حجاب و پوشیدگی، فقط در چادر خلاصه نمی‌شود. از طرفی، در مدارس ابتدایی که عملاً متریبان، کودک یا نوجوان

سخن گفتن درباره‌ی حجاب و نقش آموزش و پرورش در ترویج آن، شاید از حوصله سر برترین مسائل باشد. از طرفی، اینقدر از حجاب گفتیم و شنیدیم و عاقبت هم ندانسیم که چه بر سر ما آمد که اکنون مسئله‌ی حجاب، به بحران مبدل گشته است. و از طرف دیگر هم، تا لفظ آموزش و پرورش به میان می‌آید، مجموعه‌ای از انتقادات که سر تا پای سیستم تعلیم و تربیت را مورد توجه قرار می‌دهد، به ذهنمان خطور می‌کند. در نهایت اجماع سخن درباره‌ی این دو، سخت‌تر هم می‌شود. بحث را از اینجا آغاز می‌کنیم که اساساً از جان آموزش و پرورش چه می‌خواهیم؟ و حجاب در کدام قسمت برنامه‌ریزی‌های آموزشی گنجانده می‌شود؟

تربیت اسلامی از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد و از آنجاییکه در قرآن با تعبیر و الفاظ مختلف، به حجاب اشاره شده است، در نظام ارزشی اسلام، حجاب یک اصل به شمار می‌رود. پس مسئله‌ی حجاب و حد و حدود آن، حتماً در برنامه‌های تربیتی نظام اسلامی می‌گنجد. تا اینجای مطلب که جای شکی نیست؛ لکن موضوع اصلی، به «چگونگی» الزام افراد به اجرای احکام مربوط به حجاب اسلامی در جامعه و «روشی» که آموزش و پرورش در این مسیر، به کار می‌گیرد، باز می‌گردد.

در طول ۱۲ سال تحصیلی، آنچه به عنوان یک سیاست کلی در رابطه با مقوله‌ی حجاب، به چشم می‌خورد این موارد هستند:

- رعایت کامل یا تقریباً کامل پوشش اسلامی در مدارس دخترانه

- عدم تنوع در رنگ و روش پوشش دختران

- امتیازدهی بر اساس حد رعایت پوشش حتی در محیط کاملاً دخترانه‌ی کلاس و تشویق دخترانی که بیش از همه حجاب کامل داشته‌اند. (نکته‌ی





ثانیا، مفهوم درستی را باید از حجاب در نظر گرفت و معطوف به آن سیاستگذاری کرد که حجاب برای حضور در اجتماع است نه اینکه مانعی برای حضور اجتماعی باشد. اساسا فلسفه‌ی حجاب در جامعه، از آنجایی است که چون زن و مرد وقتی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، برای هم جاذبه دارند و ممکن است از اهداف متعالی تغافل بورزند، پس این بودن در کنار هم، باید با رعایت حجاب و پوشیدگی ظاهر و عفاف در مرد و زن، همراه باشد. پس حجاب صرفا به زن تعلق ندارد و مرد هم باید منطبق با دستورات اسلامی، محجب و پوشیده باشد.

پس آنچه مهم است و اهمیت نظام آموزش و پرورش را نشان می‌دهد این است که مدرسه می‌تواند، حتی عقایدی که در خانواده‌ی متربی، بدان قائل نیستند را درونی کند. شاید روزگاری صرف اینکه این حکم، دستور خداوند است، برای عامل شدن به دستور کفایت می‌کرد؛ اما امروزه با هجوم و بمباران اطلاعاتی، نوجوانان، خواستار سطح استدلال عقلی و عملی شده‌اند؛ لذا لازم است تا در مدارس، علاوه بر اینکه در عمل این عقاید، کارکرد و فایده‌مندی خود را نشان دهند، در سطح نظری هم مستدل و با پشتوانه‌ی عقلی به نوجوان، ارائه شوند.

هستند. پس این الزام و اجبار به حجاب داشتن، ولو با رویکردهای تشویقی و جایزه دادن‌ها، عملی بس بی‌سرانجام است.

تنها بخشی از ایرادات بنیادین سیاست‌های آموزشی بیان شد؛ اما نقش آموزش و پرورش برای ایفای نقش مثبت در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف چه باید باشد؟

اولا، به طور کلی نه تنها در نهاد تعلیم و تربیت رسمی که در سایر ارگان‌های دولتی یا مردمی هم، اینکه حجاب به مثابه‌ی صرف یک قانون تلقی شود، راهگشا نیست. حجاب در وهله‌ی اول باید در ساحت اعتقادی فرد بگنجد و از قانونی بودن حجاب به «فرهنگی بودن» مسئله‌ی حجاب ترفیع پیدا کند. نقش آموزش و پرورش در اینجا است که منطبق با دستورات اسلامی که اصل تسهیل، تدرج و تمکن را در نظر داشته، نظام آموزشی هم، به «درونی‌سازی عقاید» بپردازد. درونی سازی عقاید، خصوصا در ده سال اولیه‌ی زندگی فرد اتفاق می‌افتد. یعنی در مدارس، بجای اینکه متربیان، صرفا توصیه به رعایت حجاب برای رسیدن به چنین و چنان پاداش یا اثراتی شوند، در عمل آنها شاهد مربیان و معلمان موفق و موثر خود که در محیطی که باید، محجب هم هستند، باشند.



قانون گذاری خاموش

نقد عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت ارشاد در حوزه حجاب

کوثر پاریزی کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی

کشور جمهوری اسلامی ایران در تقویم رسمی خود روز ۲۱ تیرماه را به نام «روز ملی حجاب و عفاف» معرفی کرده است. اما شاهد این هستیم که هر ساله در این تاریخ تنها اتفاق مشهودی که در سطح جامعه می افتد این است که تعدادی بزرگ و پارچه و عکس نوشته در فضای مجازی و حقیقی منتشر می شود و اگر اتفاق دیگری از جمله جلسات و همایش هایی در این باره هم صورت بگیرد، زیاد مشهود نیست. اما حجاب و عفاف یک اصل اجتماعی است که باید در مردان و زنان کشور اسلامی ما به قدری ترویج یابد که همه مردم خودشان علاوه بر پایبندی به آن، مروج آن نیز باشند.

اما نهاد مسئول در حوزه حجاب و عفاف کدام نهاد جمهوری اسلامی است؟

وظایف نهادهای مسئول در این باره چیست؟

نهاد ناظر بر عملکرد این نهاد مسئول کدام است؟

اگر ترویج عفاف و حجاب را بحثی فرهنگی بدانیم؛ نهاد اصلی سیاست گذاری فرهنگی در سطح سیاست های اجرایی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

از وظایف این وزارت خانه، تنظیم سیاست های کلی فرهنگی، هنری و سینمایی کشور و ارائه آنها به مجلس شورای اسلامی است.

در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد حجاب و عفاف که در سال ۸۴ به تصویب رسید، بیشترین وظیفه تخصصی دستگاه های قانونگذار و اجرایی، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اختصاص یافت و همین امر اهمیت این دستگاه نسبت به دیگر نهادهای مسئول در زمینه گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را نشان می دهد.

درواقع شورای عالی انقلاب فرهنگی وظایف تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی را به دوبرخش نظارتی و حمایتی تقسیم کرده است. بر این اساس مسئولیت ترویج حجاب و عفاف در کشور طبق تصویب شورای

عالی انقلاب فرهنگی، بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و این وزارت هم مسئول اجرایی است و هم مسئول نظارت.

وظایف وزارت نامبرده در بخش نظارتی عبارتند از:

• هماهنگی و نظارت بر رسانه های ارتباط جمعی همانند: روزنامه ها، مجلات، محصولات سمعی و بصری، نمایش ها و ... برای توجه به فرهنگ حجاب و عفاف و رعایت آن؛

• جلوگیری از انتشار و تبلیغ کالاهای فرهنگی که با فرهنگ عفاف و حجاب مغایرت داشته باشد، مانند کتاب، فیلم، نشریات و تئاتر و ...؛

• نظارت فرهنگی بر اینترنت و ایجاد سیاست های حمایتی و هدایتی به منظور تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و جلوگیری از ورود و گسترش مظاهر تهاجم فرهنگی؛

• نظارت بر تشکل های هنری - مردمی، نمایشگاه های هنری و محافل هنری عمومی مانند کنسرت ها و نمایشگاه ها در جهت رعایت فرهنگ عفاف و حجاب؛

• استفاده مناسب از لباس های اسلامی - ملی در فیلم های سینمایی و استفاده نکردن از این پوشش توسط شخصیت های منفور در فیلم ها؛

• ارزیابی مستمر وضعیت حضور زنان در فیلم های سینمایی و مطبوعات؛

• نظارت دقیق و اصولی بر وضعیت فرهنگی - اخلاقی سالن های سینما و مراکز مربوط به این وزارت خانه؛

• اهتمام لازم برای اجرای قانون «منع استفاده ابزاری از زنان در مطبوعات»؛

وظایف حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عبارتند از:

• حمایت مادی و معنوی از آثار فرهنگی - هنری همانند تسریع در صدور مجوز، ارائه یارانه و تشویق تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنرمندانی که راهکارهای تازه و جذاب در راستای توسعه فرهنگ عفاف ارائه می نمایند؛

• ترویج الگوهای مناسب برای عفاف و حجاب و ممانعت از ترویج فرهنگ مدگرایی منفی در محصولات و کالاهای فرهنگی؛

• هماهنگی و همکاری با رسانه های جمعی جهت ایجاد حساسیت لازم در خانواده ها نسبت به اهمیت فرهنگ حجاب و عفاف؛

• تولید سمفونی و آثار موسیقایی متناسب با موضوع عفاف و حجاب؛

• برگزاری جشنواره های فرهنگی - هنری، منطقه ای، ملی و بین المللی برای رواج فرهنگ عفاف و حجاب؛

• استفاده از ظرفیت سازمان های فرهنگی غیردولتی و خصوصی جهت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب؛

• تبیین ریشه های دینی و اعتقادی فرهنگ عفاف و حجاب؛

• به عضویت پذیرفتن خانم های متعهد و مطلع از مسائل عفاف و حجاب در هیات های نظارت بر بازبینی فیلم، کتاب و ...؛

• تهیه فیلم های سینمایی در مورد تاریخچه کشف حجاب در ایران و بررسی علل و عوامل آن؛

نقد عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی:

طبق وظایف مصوب شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم مسئولیت اجرایی در حوزه حجاب و عفاف با وزارت ارشاد است و هم مسئولیت نظارتی و این خود یک ضعف به حساب می آید زیرا که سپردن مسئولیت



سرویس فقهی - حقوقی

اما در مورد بخشی که نسبت به آن اهمیت کمتری قائلند باید قانون‌گذاری به این شکل باشد که آنها خود اهمیت این امر را درک کرده و خود مروج آن شوند.

وزارت ارشاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید ابتدا دیدگاه خود نسبت به حجاب و عفاف را اصلاح کنند و سپس قانون‌گذاری و انجام امور اجرایی در این حوزه را برعهده گیرند و همینطور باید بدانند امور اجرایی که در این باره مشخص کرده‌اند تا کنون با گذشت یک دهه و اندی از انقلاب اسلامی، پاسخگوی درستی برای امر حجاب و عفاف نبوده است پس باید رویکردهای خود را تغییر داده و به سمت کارهای اجرایی روند و باید از انجام کارهایی که هزینه‌های گزافی برای آنها پرداخت می‌شود و هیچ تأثیری در جامعه ندارند پرهیز شود؛ از جمله زدن نمایشگاه‌های مد و لباس و یا برگزاری همایش‌های مختلف در حوزه حجاب و عفاف که با عامه مردم کشور سر و کاری ندارد. اینها کارهایی گزاف هستند. برای اصلاح عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت ارشاد باید این دو نهاد رجوعی دوباره به سخنان حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) داشته باشند که مردم سالاری دینی را الگوی جمهوری اسلامی قرار دادند و سخنان رهبر انقلاب در این روزها را مورد توجه قرار دهند که تبیین کننده نظام مردم سالاری دینی و مردمی سازی کشور می‌باشند.

اجرائی و نظارتی برعهده یک نهاد امری است که باعث می‌شود نظارت در این حوزه به صورت مطلوب خود شکل نگیرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید وظایف اجرایی در حوزه ترویج حجاب و عفاف را برعهده وزارت ارشاد می‌گذاشت اما وظیفه نظارت بر عملکرد وزارت ارشاد را خود برعهده می‌گرفت و یا برعهده نهادی دیگر می‌گذاشت زیرا نهادی که خود مسئول اجرایی است، نباید مسئول نظارت بر اجرای خودش و سایر دستگاه‌ها باشد.

نقد عملکرد وزارت ارشاد:

با نگاهی به وظایف وزارت ارشاد در حوزه حجاب و عفاف شاهد این هستیم که نیازسنجی و ارتباط مردمی در بین وظایف آنان وجود ندارد. بنابراین اگر هم کار اجرایی در حوزه حجاب و عفاف از سوی این وزارت صورت می‌گیرد، کاری بیهوده با صرف هزینه‌های گزاف و به شکل ویتترین خواهد بود. چرا که در کارهای اجرایی فرهنگی، ابتدا باید نیاز مردم را در نظر گرفت و در ادامه باید از خود مردم برای قانونگذاری و چیدمان برنامه‌های مختلف برای آنها استفاده کرد و این همان مردمی‌سازی نهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

ما تاکنون شاهد دریافت نظرهای و کمک‌های مردمی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همینطور شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه حجاب و عفاف نبوده‌ایم و این در را بر روی نخبگان و افراد کارکشته در این حوزه بسته است. اما در حوزه نظارتی نیز این ارتباط مردمی و مردمی سازی باید شکل بگیرد و خود مردم باید ناظر و اجرای قانون حجاب و عفاف در سطح کشور باشند. قانون‌گذاری در حوزه حجاب و عفاف، با قانون‌گذاری در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصاد و سیاست خارجی و بهداشت و غیره، بسیار متفاوت است و قانون‌گذاران در حوزه حجاب و عفاف که حوزه‌های فرهنگی و دینی می‌باشد، باید توسط خود مردم صورت بگیرد و اجرای این قوانین هم توسط خود مردم باشد و باید در افکار عمومی این مسئله جاری و ساری شود و با زور و اجبار نمی‌تواند اجرا شود. همینطور نظارت بر این اجرا که یکی از ارکان امر به معروف و نهی از منکر است نیز باید برعهده خود مردم باشد. معمولاً در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصاد و بهداشت و سیاست خارج، عامه مردم تخصصی ندارند و قانون‌گذاری در این حوزه‌ها برعهده دولت است که باید از متخصصین مردم در این حوزه‌ها استفاده کند اما حجاب و عفاف امری اجتماعی و دینی است که بخش خوبی از جامعه روی آن تعصب دارند و در آنها نهادینه شده است

حریم حجاب

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن و آیات چگونه بیان شده است ؟

زهرا جوکار کارشناسی مطالعات خانوادگی

ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

این کار، برای پاک‌سازی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است.

یکی از اصول زیر بنایی و ساختاری که در سبک زندگی اسلامی مطرح می‌شود موضوع «عفاف و حجاب» است؛ چراکه رعایت این آموزه می‌تواند اساس زندگی و سلامت افراد را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی حفظ کند. البته بنا بر آموزه‌های قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، حجاب و عفاف تنها مختص زنان نیست، بلکه این نکته از مناظر گوناگون شامل همه افراد، اعم از مرد و زن می‌شود که رعایت آن بر تمام مردم جامعه واجب و الزامی است.

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش است. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد «ایجابی» و «سلبی» است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم؛ حجاب و عفاف می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد:

حجاب ذهنی و روحی: در مسئله اعتقاد به معارف اسلامی، «توحید و نبوت» از مصادیق حجاب ذهنی و روحی است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

- حجاب در گفتار:

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است؛

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (احزاب، ۳۲) پس زن‌ها نازک و نرم با مردان سخن نگویند، مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

- حجاب رفتاری:

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند.

و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (نور، ۳۱) و آن‌طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب - که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند- نام برده شده است. همان معنای متداول و معمول حجاب که شامل چادر و روسری و رعایت ظاهری پوشش است.

قرآن کریم برای حجاب و پوشش اهدافی را تعریف می‌کند.

هدف اول طبق آموزه‌های قرآن کریم، پوشاندن عورت و زشتی‌های بدن انسان است که در آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف به این نکته اشاره شده است: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ؛ ای فرزندان آدم! محققا ما لباسی که ستر عورت شما کند فرستادیم.»

هدف دوم، زینت، زیبایی و حسن حال است که در ادامه همان آیه می‌فرماید: «وَرِيْشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ؛ جامه‌هایی که به آن تن را بیاراید برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است.

هدف سوم، طبق آموزه‌های قرآن کریم، حفظ و نگهداری از گرما و سرما است که هم در آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف به این نکته اشاره شده و هم

در آیه ۸۱ سوره مبارکه نحل می‌فرماید که پوشش، انسان را در گرما و سرما نگهداری می‌کند: «وَجَعَلْ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيْكُمْ الْحَرَّ؛ و برای شما لباس‌هایی قرار داد که شما را از گرما و سرما ننگه می‌دارد.»

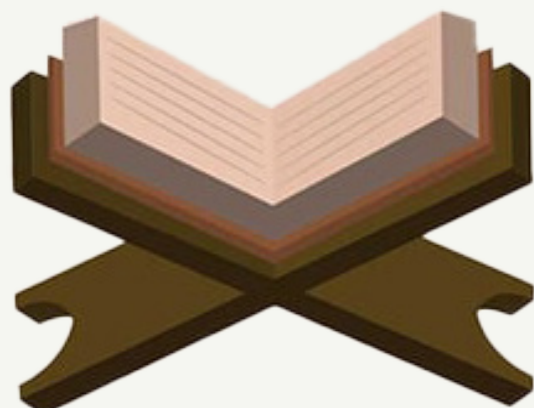
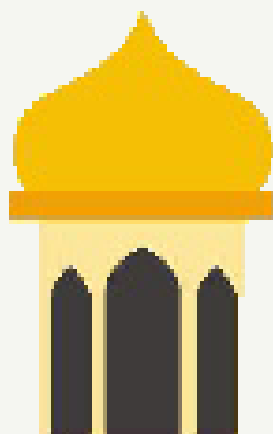
هدف چهارمی که قرآن کریم در خصوص اهمیت حفظ حجاب بیان می‌فرماید، محافظت بدن از صدمات جنگ، بلاها، سختی‌ها و خطرات است که

در آیه ۸۱ سوره مبارکه نحل به آن اشاره می‌فرماید که: «وَسَرَابِيلَ تَقِيْكُمْ بِأَسْكُمْ؛ و لباس‌هایی که شما را از آسیب یکدیگر ننگه می‌دارد. مانند البسه جنگی، محافظت هوایی و دریایی». همچنین در آیه ۸۰ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَا هُصْنَةَ لِبَاسِكُمْ لِيُحْفَظَ مِنْكُمْ بِأَسْكُمْ؛ و ما به داود صنعت زره ساختن برای شما آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد.»

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی مشخص می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قابل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انواع مختلف رفتار، مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع، در ریشه لغوی عفت نیز وجود دارد.

از ابعاد مختلف پوشش و عفاف می‌توان عفاف در کردار، گفتار و اندیشه را باز شمرد. چشم‌پوشی از نگاه حرام، پوشش مناسب، اعتدال در زینت و آرایش، میانه‌روی در خوراک و عفت در فقر و غنا از ابعاد مختلف عفاف در کردار بوده و پرهیز از کلام لغو و اندیشه حرام، عفت در گفتار و اندیشه را تشکیل می‌دهد. در هر حال باید دانست رعایت عفاف می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نایل گرداند.



طبل تو خالی حقوق بشر

بررسی حجاب از منظر حقوق بشر

الهام آقابابایی

کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

رفت و آمد، حق انتخاب پوشش و ... اشاره کنیم (مستند از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). به موجب حق انتخاب پوشش (براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر)، همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، در انتخاب نوع پوشش خود آزاد هستند و کسی را نمی‌توان مجبور به پوشیدن نوع خاصی از لباس کرد. این، یک تعریف کلی از حق انتخاب پوشش است و همانطور که می‌دانیم، هر قاعده کلی، دارای یک سری موارد محدود کننده است.

مورد محدود کننده حق انتخاب پوشش، دستورات خداوند است. در همه ادیان الهی و مخصوصاً شرع مقدس اسلام، مقرراتی درباره حجاب وجود دارد، که پیروان ادیان الهی ملزم به رعایت آنها هستند. همانطور که در مقدمه ذکر شد، حجاب فقط مختص به زنان نیست و مردان هم در پوشش خود، باید موارد لازم را رعایت کنند. حجاب برای زنان موضوعیت بیشتری دارد. شریعت یهود، در خصوص

انسان‌ها اعم از زن و مرد، از ابتدای خلقت برای در امان نگاه داشتن خود از سرما، گرما و نیاز به

پوشش، خود را به گونه‌های مختلف می‌پوشاندند. در زمان‌های ماقبل تاریخ، انسان‌ها برای پوشش خود، از گیاهان و پوست حیوانات استفاده می‌کردند. با بوجود آمدن تمدن‌های اولیه و پیشرفت آنها، پوشش رنگ و بوی تازه‌ای گرفت و انسان‌ها برای پوشاندن خود پوشم‌های حیوانات را تبدیل به نخ کرده، با آنها پارچه بافته و برای خود لباس دوختند. به گونه‌ای که هر ملیتی لباس مخصوص به خود را داشت. با ظهور ادیان الهی، مسئله پوشش به گونه‌ای دیگر مورد بررسی قرار گرفت. مطابق دستورات خداوند متعال، انسان‌ها در انتخاب پوشش خود باید مراقب باشند تا پوشاک آنها منجر به جلب توجه نشود. مسئله حجاب، هم برای زنان و هم مردان در نظر گرفته شده است. اما حجاب برای زنان موضوعیت بیشتری دارد. در این یادداشت برآنیم تا حجاب را از منظر حقوق بشر مورد بررسی قرار دهیم.

۱: حجاب به عنوان زیر مجموعه حق انتخاب پوشش

در ابتدای بحث، به تعریف حقوق بشر می‌پردازیم. حقوق بشر، مجموعه حقوقی هستند که انسان به جهت انسان بودنش، از آنها برخوردار است. حقوق بشر مصادیق متعددی دارد، که می‌توانیم از این مصادیق، به حق حیات، حق آزادی بیان، حق آزادی

حجاب، مقررات سختی دارد و زنان یهودی، حتی مجاز به نپوشاندن صورت خود نیستند. در واقع دین یهود، حق انتخاب پوشش را به گونه‌ای محدود کرده که به جرأت، می‌توان گفت که این دین، برای زنان، حتی در انتخاب نوع پوشش قائل نیست. دین اسلام، مقررات نرم‌تری را نسبت به حجاب وضع کرده است. براساس شریعت اسلام، زنان و مردان مسلمان، باید به گونه‌ای پوشش داشته باشند، که باعث جلب توجه نشود. دین اسلام، حق انتخاب پوشش را به رسمیت شناخته و تنها محدودیتی که بر آن بار کرده است، عدم جلب توجه است.

حقوق بشر غربی، انسان محور است و به همین دلیل، محدودیت‌های مذهبی انتخاب پوشش را نقض حقوق بشر تلقی می‌کند. اما حقوق بشر اسلامی، به این دلیل که انسان را بنده و مخلوق خداوند می‌داند، محدودیت‌هایی را که منجر به تعالی معنوی انسان است، به رسمیت می‌شناسد و حجاب نیز نوعی محدودیتی است که رعایت آن منجر به تقرب انسان به درگاه خداوند می‌شود.

۲: عملکرد سازمان ملل متحد و کمیته حقوق بشر در خصوص حجاب و حمایت از بانوان محجبه همانطور که پیشتر گفتیم، حق انتخاب پوشش، حتی از حقوق بشر است که مانند سایر حقوق بشری،

در اسناد بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. برای اثبات این امر، می‌توان به ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرد.

حال به بررسی مصداقی عملکرد نهادهای بین المللی در خصوص حجاب و بانوان محجبه می‌پردازیم. همانطور که همگی می‌دانیم، حجاب در کشور فرانسه ممنوع شده و زنان محجبه نمی‌توانند از حقوق اجتماعی خود در آن کشور بهره ببرند. در فرانسه داشتن حجاب در مکان‌های عمومی و ادارات ممنوع است. سازمان ملل متحد، ممنوعیت حجاب در فرانسه را محکوم کرد. کمیته حقوق بشر نیز، طی اعلامیه‌ای، اعلام کرد که فرانسه به دلیل ممنوعیت حجاب، ناقض حقوق بشر است و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را هم نقض کرده است.

در افغانستان، برعکس فرانسه، حکومت طالبان قوانینی بسیار افراطی درباره حجاب وضع کرده‌اند. سازمان ملل در مورد اجباری شدن حجاب زنان در افغانستان اعلام کرده است که این عمل نقض آشکار حقوق زنان در افغانستان است.

براساس مطالب فوق، پوشش برای انسان، یک نیاز طبیعی است و هر انسانی، به دور از هر گونه مسئله‌ای مثل زبان، مذهب، نژاد و جنسیت، شایسته آن است که از پوششی آبرومندانه برخوردار شود. خداوند در ادیان الهی، این حق را نادیده نگرفته و برای رشد و تعالی انسان، فقط آن را محدود کرده است. ممنوعیت حجاب و رعایت افراطی آن، هردو نقض حقوق بشر تلقی می‌شوند. در یادداشت فوق، دیدیم که فرانسه حجاب را منع و افغانستان، مقررات بسیار افراطی و سخت‌گیرانه برای حجاب زنان وضع کرده است. متأسفانه، عملکرد سازمان ملل متحد در قبال مواضع این دو کشور، در حد اعلامیه و اخطار بوده است. امید است که با وضع ضمانت اجراهای مناسب، دیگر شاهد نقض این حقوق نباشیم.



حجاب، نعمت الهی

حجاب مایه‌ی تشخص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهر بینانه‌ی مادی‌گرایان، مایه‌ی اسارت زن نیست. حجاب وقار است، متانت است، ارزش‌گذاری زن است، سنگین شدن کفه‌ی آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله‌ی حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمت‌های الهی است.

رهبر انقلاب ۱۳۹۱/۰۲/۲۳

